

(طهران)

تفصیل ورود سعدالدوله را نکاشتم ، روزی چند مشغول دید و باز دید بود و از بیاناتش همه چه مشهور گردید که لطف فرانس و فارسی ترتیب داده خیال طبع آن را دارند ، در موقع ورود سعدالدوله بنا باصول میشومیکه در وزارت خارجه اولیه خود داده بود بمجمیع سفارتخانه سارقه کارد ملاقات گذارده باز گردید و سفر هم سپس به باز دید او آمدند شنیده می شود که در همان شب دوم و روم خود سعدالدوله يك ملاقات سری باسناست روس هم نموده در موقعیکه جمعی حاضر بودند بیانات ذیل را داد که بعد از اصلاحات کامله خودش وای درج روزنامه آفتاب و آنچه در آفتاب درج شده این است -

بیانات سعدالدوله

یکی از نواقص و معایب ما ابرائیهها این است که هیچیک از آحاد افراد خود را محدود محدودی نمی داند و یا مطیع هیچ انتظاماتی نمیخواهد و مایل است که همیشه از حوزه ایافت خود تجاوز نماید و در مقاماتی که ما فوق حیثیت اوست جای بگیرد و این رویه باعث میشود جمع کثیری بیکار و در مانده بماند مملکت دوچار فقر گردد ، اما ترقیات هم يك مسئله تدریجی است ، باید ملت با وسایلی که دارد در تحصیل آفت کوشش نماید -

هر ملتی باید در استطاعت خود تربیت شود و وسایل مادی که دارد تکمیل نماید مثلاً اگر مملکت واه آن ندارد باید از تمام موجبات ترقی صرف نظر و از تسریل وسایل حمل و نقل حالیه ککوناهای نمود و الا تقلید صرف ما را دو چاره هم قسم محذورات میباشد چنانچه برای الهین در این مدت مشهور گردیده است و گذشته از این از روی شرع انور تقلید صرف هم حرامست -

باینکه عده کثیری از متعلمین ایرانی در فرنک بوده هستند با مسافری که در آفت ممالک سیاحت میکنند چیزی را که بیشتر می بینند کوچه و خیابانها و معابر است چرا يك خیابان تمیز و سنگش در شهری مثل طهران نیست ؟ جهتش این است که آن متعلمین و مسافرین هر گز عطف نظری نکرده و در صدد بر نیامده اند که بدانند کف آن خیابانها

چگونه ساخته شده که در مملکت خود هم نظیر آن را فراهم نمایند ، همه خیالات آنها مصروف بوده است بر اینکه در مقامات عالیه سیر نموده درک وزارت بکنند یا در بی هوا و هوس و لهر و لب پروند و گرنه با این کثرت مراوده بافرنگستان نمونه از آفت معابر و خیابانها در طهران دیده میشد -

ملاحظه کنید يك ترتیب غلطی هم که معمول شده این است هر کس که میتواند میخواهد تحصیل علم حقوق کرده و وزیر شود یعنی لازمه دانستن این علم را وزارت تصور میکنند ، از این حقوق خوانده ها وقتی یکی بمقام وزارت رسید اولاً او در ماده خود مشابه می شود و تصور میباشد از همه نواقص و معایب عاری و بری است و مردم هم از آن شخص که تازه وزیر شده منتظر اعجاز و کرامات میباشند و وزارت را مثل بیغیری يك مقام مقدسی تصور میکنند اولاً در فرنک هر کسی تا يك اندازه تحصیل حقوق کرده و این قدرها وقتی نمیگذاردند - نایا ببقیده من دانستن حقوق فقط مستلزم درک مقام وزارت نمیشود ، وزیر ایرانی باید حقوق مملکت خود را بداند کتاب بدون آن حقوق کتاب جامع عباسی و قوانین فقه اسلامی است لهذا دانستن این حقوق هم مانع از تحصیل حقوق ممالک دیگر نیست و چنانچه گفته شد برای اداره امور دانستن حقوق فقط کافی نیست - اینکه گفتم مردم از حدود خود خارج می شوند نظایر آن را در تجار و غیره هم مشاهده میکنم ، مثلاً مستقیماً در سیاسیات و امور مملکتی مداخله میکنند از آقایان حضار میپرسم آیا هیچ مناسبت دارد که واعظ یا روضه خوان یا تاجر مداخله مستقیم در اموری که از وظایف اولیای دولت است بکنند ؟ اینکه می گویم نه این است که منکر افکار و عقاید عمومی باشم ، در مملکت ما پارلمان لازم است ولی نه از آن نقطه نظری که پاره اشخاص تصور کرده و می کنند ، و از آن اشخاص در این سنوات اخیره باسم مشروطیت چه لطافت و صدمات باین مملکت وارد آمد همه میدانند محتاج به بیان نیست -

منصوب از پارلمان تشکیل هیئت است از وکلای ملت که ناظر اعمال اولیای امور و دخل و خرج مملکت باشند و وظیفه عمده پارلمانهای بزرگ راجع

ندارم گذشت از این این سن تقاضای بعضی هوس
مارا نمیکند -

شنیدم که در آن مجلس یکی از دانایان گفت
خدا پدر حبل المتین را پیاورد که این سخنان و
الفاظ طوطی وار را بوزرای با کاه ایران یاد داد
از این بیانات چه مترشح میشود با وجودیکه خیلی
اصلاح و درست شده لازم به اظهار نکارنده نیست ،
(کسیون ایران در پارلمان لندن)

گویا چندان لازم به تشریح نباشد که در دوره
انقلابیه ایران پارلمان انگلستان بمناسبت حفظ مقام و منافع
خود و اهمیت آن کسیون تشکیل داد از اعضای پارلمان
و چند نفر از مستشرقین خارج پارلمان مانند پروفیسر
برون مستشرق معروف و غیره که در مسائل راجعه
بایران غور نموده بپارلمان پیش کرده و سایر اقدامات
ضروریه را هم بنیاید ، سکرتوری (مهمم) کسیون
موصوف مسز فریدوک ویلن بتازگی رسماً مراسله به
وزیر هاند و وزارت خارجه انگلستان بعنوان ذیل
نگاشته توجه دولت انگلیس را مبذول داشته است
(ترجمه عنوان مراسله مذکور)

من از طرف کسیون خود مامورم که توجه جناب
عالی را مبذول دارم - بدسایس متوالیه که از الهام
روسیان برخلاف حکومت حاضره ایران می شود و
می خواهد دولت کنونی ایران را زایل و مجدداً محمد
علی را بنحیث ایران بنشاند ، برای اثبات ماذکر بحضور
عالی در نوشته موفه را ضمناً تقدیم مینماید - اول
دسایسی است که برای بنحیث نشاندن محمد علی بکار
برده می شود و ثانی حاکی است به خیالات و مقاصد
سعدالدوله که منتها درجه خلوص و عقیدت و هم
خیالی را نسبت به محمد علی دارد -

کسیون مارا موافقاً عقیده این است تا وقتیکه
دفع حملات متوالیه مخالفت کارانه همایه قوی نهالی
نگردد ترقی در انتظام امور اداری دواق و
ملتی ایران نتواند شد ، دولت ایران سلطنت
مشروطه است که دولتهن روس و انگلیس بطریق
صالح عهد و پیمان نموده و اطمینان بخشیده که هیچگونه
دخاتی که مخل امور اداری آن گردد نخواهند نمود
مع التاسف نه تنها انعقاد مجلس را بدرازا کشیده اند
بلکه هر یک از وزرائیکه بصیبهت خدمات مشروطه

عالبه است ، زیرا که افراد ملت حق دارند بدانند
آنجیرا که دولت باسم مالیات اخذ کرده درجه عمری
صرف کرده و نظارت میکنند که وجوه عمومی که
در حقیقت مال بیت المال مسلمین است بجایهای مفید
صرف شود و این حق مشروع افراد ملت است
نه مداخله بطور مستقیم -

دیگر اینکه بنیاید متوقع شویم که کابینه ترقیات
مادی و معنوی یکدفعه در مملکت ما ظاهر گردد
و یکدفعه فضای طهران مثل پاریس بشود ، این
عقیده غلط صرف و اشتباه محض است هر کس چنین
ادعائی نماید او را دیوانه باید تصور کرد ، کلیه امور
در عالم تدریجی است چنانکه مکرر گفته ام و باز خواهم
گفت - در ماده اصلاحات ایران مایوس نیستم و مردم
هم نباید مایوس باشند زیرا که هنوز وسایل اصلاح
در دست هست ، هرگاه دهنر یابد نفع برای اصلاح
امور حاضر شوند وسایل و دلائل متین ارائه نمایند که
مردم و من قانع شویم ، اول کسی که کر بخدمت
خواهد بست من خواهم بود -

یکی از حضار اظهار داشت اگر واقعاً کسی پیدا
شود که مجده در صد اصلاحات بر آید تصور میکنم
مردم در همراهی او حاضر باشند - آقای سعدالدوله
جواب دادند : آیا بخاطر دارید زمانی که من وزیر
تجارت بودم شخص شها پیش من آمدید و گفتید
صلاح شها در این است که استعفا بدهید ، گفتم استعفا
نمیدم زیرا استعفا را کسی میدهد که بداند نمی
داند یا می تواند و من میدام که میدام و می دانم
که می توانم در این موقع استعفا را بوطن و مملکت
خیانت می دانم) استعفا ندادم و در کار خود استقامت
ورزیدم تا مرضین شبانه حکم عزل مرا گرفتند و
در همین اطاق آورده بمن دادند و مضمون آن
این بود - سعدالدوله استعفا بدهی شها قبول شد -
در صورتیکه من هرگز استعفا نداده بودم شها بیدانید
هرگاه کاری از عهده من خارج باشد قبول نمیکنم
و اگر کردم انجام می دهم مگر اینکه وقایعی پیش بیاید
که نمی توان از حلال پیش بینی نمود -

آن نکته را هم مردم در نظر داشته باشند که
من در همه حال مقصودی جز اصلاح امور و نجات
ایران ندارم و همه خوب میدانند که اولاً احتیاج

وا کرده بدسیسهای گوناگون از سر کار باز داشتهاند در این صورت چگونه غیر از این پیش آید که در این مملکت ملوک طوائفی کسب عمومیت نماید -

من از طرف کمیسیون خود عرضه میدارم که هرگاه تاخیر در رفع موانع پیشرفت مشروطه ایران بشود خطرات عظیمه منافع انگلستانرا احاطه خواهد کرد برای مشروطه ایران انعقاد پارلمان با اندازه مهم است که ممکن نیست بدون آن هیچگونه تشکیلات اداری از روی صحت داده شود لذا لازم است موانعیکه برای تشکیل پارلمان قانونی ایران پیش آوردهاند فوراً رفع و دفع شود و بیارلمان ایران ولو هرگونه الزامات صحیح یا ناصحیح داده شود ابدأ انکار نمی توان کرد که در حفظ حقوق ملی و وطنی خود منتها درجه سعی و کوشش را نمود، اگر دولتین روس و انگلیس را حقوقی در ایرات مد نظر است که تبدیل در قوانین مشروطه را مناسب یافتهاند لازم است تشکیل پارلمان داده شود چه فقط پارلمان را حق آن تبدیلات می باشد مشروط بر اینکه آن تبدیلات ماحی اقتدار سیاست ایران نبوده باشد -

قیام قشوف روس در شمالی ایران یا اینکه متواتر علیحدگی آنان را وعده داده شده مزید انتظاش و انقلاب ایران گردیده است، چنانچه ازین صوحنات مهمه شمالی مالیات بدولت ایران باید نیگردد و حالت این صوحنات بدتر از بدتر شده است -

پس از اینکه پارلمان ایران منعقد گردید بین است دولت علیه ما سعی خواهد نمود در دادن يك قرضه بایران با منافع و شرایط مناسب و انتظام صحیحی هم در صرف آن خواهد نمود -

(مضمون يك از نوشتجات موقه کمیسیون)

پارلانی این بود)

اخبارات موقه میرساند که جراید روسیه با منتهای آزادی وسایل عودت محمد علی را بایران بخت می نمایند چنانچه روز نامه (روسکی سلوو) روسی می نویسد که محمد علی کائنه مخصوص خود میرزا ابونرابخان مختارالدوله کاشانی را به پترسبرك فرستاده تا بذریعه منضم الدوله وزیر مختار کنونی ایران وسایل رسیدن محمد علی را به تاج و تخت با کائنه ایران مخابره نماید، و کائنه ایران را تشویق داده شده بود بر قبول

برخی شرایط عودت محمد علی ولی او روی چند پیش آمد که آن مباحثه در اینموقع خاتمه پذیرفت و مختار الدوله به اودیسه معاودت کرد، بیان میشود که دولت روس از دولت انگلیس خواهش نموده که عودت محمد علی را به اقتدار و قوت حزب طرفدار او واگذار نمایند و هیچ يك از دولتین هم با وقتیکه حقوق شان در معرض تضییع از اغتشاش بوقند دخالت در امور داخله ایرات نمایند یا بعبارت دیگر دولتین وقتی مداخلت نمایند که ملت ایرایه ایستادگی نمایند در عدم عودت شاه مخلوع که دروغ گوترین و ظالم ترین خلق است - مصاحب و خادم حقیقی دیگر شاه مخلوع ابوالفتح خان است که متوالباً به بروکسلز و پاریس و برلن بتکاپوست -

بطریق شخصی خبر یافته ایم که مصاحب دیگر شاه مخلوع که منتقم حل افعال قورخانه و ذخایر توپخانه بوده و به ادبیه جلای و دانش دادند، این ایام در تبریز و زنجان کاروانسرای و مهمانخانه را بیانه وسیع بدست گرفته مشغول دسیسه کاری است و سکرتری معتد اول او حشمت الدوله که انگشت نمای و مستبد جلاک است این ایام در طهران جداً مشغول کار روانی میباشد -

تاکنون سعدالدوله در تشکیل کائنه مقضی المرام نگردیده، چه مصصام السلطنه که رئیس الوزرای قانونی ایرات است استتکاف از استغای خود نموده با اینکه سعدالدوله را دولتین روس و انگلیس تأیید می نمایند معذالك احدی از رجال با شرف ایران رضا نداده که تحت ریاست وی بشغل وزارت پردازد اینک سعدالدوله سعی است که برخی از وزرای ست عنصر کائنه را ترغیب به استغفا با عدم شرکت در کائنه داده تا کائنه مضحل شده و مصصام السلطنه مجبور به استغفا گردد -

(در نوشته ثانوی فقط حالات و خیالات سعدالدوله

مندرج بوده که هنوز بدست ما نرسیده است)

(توجه از روز نامه منچستر کار دین)

(۱۳ دسامبر سنه ۱۹۱۲ میلادی)

(سرگذشت عودت سعدالدوله بایرات)

جناب سر ادوردگری وزیر خارجه انگلستان که در پارلمان بیان فرمود که سعدالدوله همیشه طرفدار

کس مبرهن است که همین سعدالدوله سارالدوله را
ترغیب نمود که در حایه محمدعلی پسران رفته اغتشاش
اندازد و برای این حرکت از کیسه خود وجه
بشارالدوله داد ؟

اساس بازگشت برای رئیس الوزرائی ایران
سعدالدوله را مخم الدوله برادر زاده او که وزیر
مختار ایران در پترسبرگ است و بنحیه ، مسیو کلم
که در شعبه آسیائی وزارت خارجه روس مستخدم
و عتقرب بحای وزیر مختار طهران خواهد آمد
بزرگترین مؤید و بنحین این نقشه بوده است. مسیو کلم
در جنوا سعدالدوله را ملاقی آمده و سعدالدوله هم چند
نوبت در پترسبرگ از او ملاقی شد ، این امر تا
حکونون از رازهای سر بسته است که چگونه سازش
شده که مصمص السلطنه رئیس الوزرائی ایران را راعب
نمودند و سعدالدوله را بپهران جلب نماید -
توضیحی که مصمص السلطنه در این خصوص داده بطور
خود قابل تمجید است چنانچه مظلمه بیان نمود
که من از روی ترجم و فیاضی خواستم در این آخر
عمر این پیر مرد در خانه ولایه خویش بگذرانم
اینک برای عودت آن جوش و خروش در ایران
بیدا و کینه ها و پروتسها برخلاف اوشده حلات شدید
رئیس الوزراء که چرا او را طاب کرده است نموده
اند ، چنانچه زمانه بخوبی ثابت نمود که ملت ایرانیه
در مخالفت با سعدالدوله بحق بوده اند ، چه سعد ثابت
نمود که میخواهد ازین فیاضی رئیس الوزراء فائده
گرفته انقلاب انداخته مالک حقیقی خود (شاه
مخلوع) را جلب نماید

بیانات وی در یادکوبه چنانچه فوقاً اشاره نموده
ایم کافی ثبوتی است از نیات و خیالات او ، چنانچه
از بیانات خودش ظاهر گردیده که او انتظام نموده
بود که ملکه جهان زوجه محمدعلی به تبریز آید که
اسباب مخالفت و رودش برای ملتیان فراهم نیست
زیرا که صدخات شجاع الدوله که فی الواقع بایدش
حکمران آذربایجان گشت و از هوا داران قوی
محمد علی بشار است موجود می باشد -

فراموش نباید نمود که شجاع الدوله را با وجود سخت
پرونت حکومت ایران روسیانش در آذربایجان
گذارده اند و او دارای قوت زیاد است چرا که روس
و قشون روس پشت و پناه اویند - همینکه سعدالدوله

شاه مخلوع نبوده خیلی تعجب خیزاست ، غالباً سر
ادورد گری انزوبوی سعدالدوله را که در یادکوبه
بوقائع نگار بورسه گزت پترسبرگ داده و روزنامه
طمش مورخه ۲۲ نومبر نگاشته ملاحظه نموده است ،
در این ملاقات بیاناتی که سعدالدوله باوقائع نگار روز
نامه مزبور نموده جذبات و خیالات حقیقی و براستور
نمی دارد ، در این انزوبوی سعد خبلی بیانات کاذبه نموده
است منجمه اینکه اظهار داشته که ایرانیان در
عودت شاه مخلوع هیچ گونه مخاضق ندارند ، فقط
مانع وی عدم رضایت انگلستان است و من - هرگاه
صرف نظر هم از بیانات یادکوبه سعدالدوله بشود آیا
می توان فراموش کرد که سعدالدوله در سنه ۱۹۰۸
وزیر اعظم و وزیر خارجه و بازوی قوی محمدعلی
پس از بیاردمان مجلس بود ؟ آیا در سال ۱۹۰۹
که ملتیان با مظاریت کابله وارد طهران گردیدند
سعدالدوله بعیت شاه مخلوع بشارنخانه روس بناهنده
نگردید ؟ در مقاله نامه ۱۹۰۹ که بین ملت ایران
و شاه مخلوع بذریعه سفارتین شده نام سعدالدوله
بطریق جلی نگاشته است که چون سعدالدوله از
دوستان صمیمی محمد علی است جلای و من داده
و من بد نباید ایران عودت نماید

اینک که سعدالدوله بظهران باز آمده در
حقیقت نتیجه آن سازش حقیقی است که برای باز
گردآیدن شاه مخلوع بایران شده است ، تاکنون
اینگونه دسایس خبلی شده و تاکام گردیده اند ،
چه دوات انگلیس با منتهیای دیانت خود که مساک
خویش را علنی اظهار داشته که شاه مخلوع را مجدداً
بسلطنت ایران نتواند شناخت ایستاده است -
بالاخر از سعدالدوله کدام شخص دست راست محمد
علی بود ؟ نه تنها در ایران بل در اروپا و جنوا که عملاً
داعی محمد علی بود و در خانه وی تمام مستبدین
بزرگ از ایران بدر کرده و مصاحبین محمد علی
مجمع آمده مشوره می نمودند ، چه قدر آنهاک
او را میرساند که اینگونه دسیسه ها در عمر هشتاد
سالگی مرتکب می گردید الحق قابل تعریف و تمجید
است - در جنوا نشسته سکان کشتی انقلابات ایران را
بدست گرفته بود ، ولی تمام تدابیری که او برای عودت
شاه مخلوع نموده بیتیجه ماند - و پیرار سال تمام
نقشه سیاسی بازگشت محمدعلی را او بنحیت و برعه

این زمینه را چید کوشش نمود که ملکه جهان پهلوان
برود و شاه حالیمرا که فرزند وی است مایل سازد بخلع
خویش و جلب بدر خود، چنانچه از روی
تحقیق زوجه محمدعلی اینک در تبریز موجود آمده
ولی تاکنون سازشهای سعدالدوله نتیجه مطاوعه
را نه بخشیده است، از روزی که وارد طهران
شده ساعتی از زوال کابینه کنونی آرام نگرفته
و یکبارگی مخصوصی تشکیل داده است، ولی درین
امر هم مقضی المرام نگردیده چه احدی راضی نشده
است باوی در ساز و آواز روا گردد، فقط قیام وی
در طهران برای آنست که انقلاب در سوره جنت فرام
نموده اشکال تراشی برای دولت حاضره بنماید، و اشخاصیکه
ازین جرگه هستند فعلاً بفریاض خودشان کار بنداند
از طرفی فشار بدولت ایران آورده سعدا بریاست
الوزرائی یا نایب السلطنگی و اقل درجه بوزارت داخله
برسانند و چنانچه بیورینیا بتازکی آشکارا نكاشنه
که بختیاریان مخالف ریاست الوزرائی و نایب السلطنگی
باینابست سعدالدوله اند و بختیاریا مدد از انگلستان
می یابند، و در حقیقت اگر سعدالدوله در این
میدان گوی مبارزت نماید گویا دولت روس را
شکست دیپلماتی رسیده است، ولی در حقیقت
و نفس الامر مانع سعدالدوله همانا نفرت و رای عمومی
ملت ایران است، چه سعدالدوله در مرتبه درجه غیر
محبوب القلوب و غیر محتاط که تالی اش در ایران دیده
نشده می باشد، بختیاریان هم حامی پلنیک روس اند
و نه مؤید مسلک انگلیس بلکه طرف دار حقیقی استقلال
وطن خود ایران می باشند، و از اقدامات آنان در این
چند ساله اخیر این نکته بخوبی ثابت تواند گردید،
و این نکته را نمی توان نظر انداز نمود که تعلق و
روابط بختیاریان بایناب السلطنه کنونی ناصر الملک بدرجه کمال
و عقیدتی خاص بملوسیت و کمال علم و دانش
وی دارند.

شیراز یا خال ننگین ایران

خود غرضی و ذائل اخلاق و طمع کاری
بزرگان این خطه وسیع نزدیک است شیرازه استقلال
ایران را از هم بپاشد و ده سال متوالی است که
این خاک از انقلاب باز نیامده و اهالیش از اغتشاش
دی نیاموده اند. مخبر السلطنه والی ایالت جدید

از روز ورود تا کنون با آن همه علم و فضل آنچه
از پیر اوستاد داشت بکار برده که اقلآ آشتی
طاهری بین رؤساء خود غرض فارس دهد اگر چه
تا درجه کامیاب گردیده ولی هنوز مدت دیرینه
فارسیان که نفاق و دو روئی است نگذارده است
امنیت کامله روی بدهد، شهر بر جهت آرام و
راه ها هم نسبت به سابق بسیار خوب بوده و اگر
مخربین داخلی و خارجی بگذارند خوبتر هم خواهد شد
سردار عشایر صولت الدوله هم گونه حاضر خدمت

شده و مطیع او امر و نواحی ایالت است، امنیت بخانه روز
فارس خارجیان را بکامرانی و هوس کاری انداخته
اگر از روی عمد نه گوئیم از روی ضرورت نمی گذارند
یامی خواهند امنیت تشکیل یابد، مثلاً قبل از ورود
مخبر السلطنه رعایای خارجه بلکه قشون هندی با افسران
انگلیسی از دروازه شهر بیرون نمی توانسته اند
بروند و در خود شهر هم مال و جاب خویش
مأمون نبوده اند، همینکه مخبر السلطنه آمد و اندکی
صورت امنیت نمودار گردید بهوای شکار افتادند،
عجب تر اینکه شکارشان هم درین خاک بر آشوب
شکار شاهانه یا آشوب طلبانه بود، کپتان اکفور
و میجر کتیل ول با یک افسر هندی و ۲۶ سوار
و ۱۷ پیاده ۱۷ قاطر بنه باهم شکار از شیراز حرکت
نمودند، قبل از حرکت از مخبر السلطنه اجازه خواستند،
مخبر السلطنه چون مایل بحرکت آنها در این موقع
نبود معاذیر بزراکتی آورد به این معنی که صبر کنید
تا مستحفظ همراه شما فرستم، آنان ضرورت ندیده
حرکت کردند، معلوم است این جماعت با این دستگاه
که از دعات و قرات منقلب بگذرند چه خیالاتی بکند
احصالی بد ظن فارس میرود و تا کنون دیده نشده
بود که یک اردو باهم شکار در مهم ترین مرکز
انقلابات بروند.

از خال زنیان همینکه بدشت ارجن

میرفتند جماعتی از دزدان بیادیت دیرینه خودشان
برای سرقه در راه آمده بایک صد و پنجاه سواران
زنداری مشغول زد و خورد بودند، سواران
زنداری بدفاع دزدان پرداخته، می گویند از طرف
اردوی شکاری هم تیر بطرف زندانها شلیک می
شد، اکفور از همراهان خود و سواران زنداری

اظهار داده و هیچگونه الزامی بدولت ایران وارد نمی‌دارند. معذالك خون بهای وی را از ایران خواسته اند.

حبل‌المتین

ما همدردی مستر اسارت را نسبت با بران از ماموریت طهران و فارس نیکو میدانیم و تصدیق هم داریم و کمان مان این بود که پس از ورود ایشان بشیراز این دسته سواران هندی که مورث تولید هزاران اشکال و شبهه و نفرت ملت ایران از انگلستان است باز خواهند فرستاد. بدبختانه واقعه ناگوار پیش آمد و مزید علت گردید و لکه بر آن همه خدمات مستر اسارت وارد آورد. محبوب القلوبی مستر اسارت منوط بر این است که هر قدر زودتر ممکن شود این دسته سواران هندی که در خود شهر شیراز هم مانند محصور زندکی میکنند روانه هندوستانشان دارند و تولید یک گونه محبتی بین ملت ایران و انگلیس بنمایند. مسلم است که مستر اسارت بخوبی دانسته که از یک دسته سواران هندی و ده گونه و بیست گونه آتش هم کاری در فارس از پیش نمی‌برود. بهر آنست که اخلاقا دولت و ملت ایران را نباید نموده رفیع شبهه و بهمزکی از بین بفرمایند. و این جماعت تا وقتی که در فارس باقی باشند هر روز یک گونه تولید اشکالی برای دولتین و ملتین فراهم خواهند آورد. خوف آنست که عاقبت منجر به بی‌عداوت و نفرت عمومی شده کار بجائی بالا گیرد که دفع و رفقش مشکل باشد.

نقل از روزنامه حکمت منطبعه مصر

(غیض الماء و قضی الامر، معاهده صلح)

(میان دولت علیه عثمانیا، و دولت ایتالیا)

این است نص معاهده صلح میان حکومت عثمانیا و حکومت ایتالیا در (لوسی) از بلاد (سوئیس) منعقد شده است و ما او را از جریده (مانان) پاریسی و جریده (دلی نیوز) لندن ترجمه و مندرج کردیم.

(اعلیحضرت پادشاه ایتالیا و اعلیحضرت امپراتور عثمانیات برای ایقان جنک میان دولتین از طرف خود و کلاه مفوضین بهر عقد صلح مصین

علیهده شده همین قدر معلوم گردید که هدف کلوه شده است و می‌گویند چند نفر شایسته هم مجروح و چند قاطرشان غنیمت دزدان آمده و نسبت میدهند که این دزدی را نیز فرقه بوبر احمدی مرتکب شده و سبب این حادثه گردیدند. تعجب این است که حکومت کوه کلوه با مختاریان است. و بوبر احمدی تحت امر آنان میباشد. برخی این واقعه را اتفاقیه میدانند. و بعضیها تحریک و مسلم است اگر اینواقعه را اتفاقیه گوئیم در مرکز قطان طریق یعنی دشت ارجن بعید نه خواهد بود. قطع حرف در این است که چرا باید در چنین موقتی یک اردوی خارجی که مورث شک و شبهه یک ملت را افروخته شده قصدشکار نمایند. در هر صورت این واقعه مورث صداع دولت و خسارت ملت تواند گردید.

آقای مخبرالسلطنه تصدیق ندارند که اجازه باین اردو برای رفقن شکار داده و می‌فرمایند که قطع کتان موصوف گفتگوی شکار کرد و من هم حاضر شدم. بحسبت وی منعظ فرستم. چون بدون منعظ دولت با یک اردوی چهل نفری حرکت نمود در این صورت هیچگونه الزامی بحکومت وارد نیست. دولت منتهای دقت و کوشش را دارد که سرکوبی کامل به بوبر احمدی ما بنماید. و ظاهرا نقشه که ریخته شده این است که اگر ممکن شود لکه بی لیاقتی و بی احتیاری بافسران سویدی و زندارمهای ایرانی داده شود، ولی در این موقع هم نشد و نتیجه بر عکس بنشیند.

یک صد و پنجاه زندارم مامور راه شیراز تا کازرون میباشد و عنقریب تا بوشهر را تحت سلطه و امنیت خواهند آورد. و همین که این راه را این نمودند بیانه جوش غلجیان مرتفع خواهد گردید. حاکم کوه کلوه را هم امر شده اردوی برای سرکوبی دزدان حرکت دهد. از طهران هم گویا بالغ بر هزار زنداری جدید بازمی‌افسران سویدی برای برقرار داشتن امنیت طرق و سزای اشرار فارس حرکت نموده‌اند. و گویا تا یک ماه دیگر استعداد کافی برای امنیت فارس مجتمع آید. آنچه ظاهری می‌شود مستر اسارت قونسل انگلیس مقیم شیراز منصفانه

يك کسی از هر طبقه که بود باشد یا مصادو در شخص یا املاک یا حقوق او بسبب قیام او از اعمال سیاسی یا حریه یا هر آن رای که در مدته جنگ ظاهر کرده است جاز نخواهد شد مطلق جمیع کسانی که بجزی از این اسباب محبوس یا منفی شده اند بلا تاخیر مطلق الحریه بشوند

بند پنجم - جمیع معاهدات و اتفاقات از هر نوع و شکل یا منقذ شده و یا جاری بوده و توقیف شده است کماکان قبل جنگ عود نماید، و مرکز در حکومت و مرکز و پایا طرفین بشروی همدیگر کماکان قبل حرب عود کنند

بند ششم - ایتالیا عقد معاهده مبنی بر اساس حق عام اروپائی را قبول می کند یعنی ایتالیا باز گذاشتن کل استقلال اقتصادی ترکیه را بر آب قبول میکند که تا از وجه تجاریه و گمرکی ترکیه مثل دول اروپائی تصرف نماید بدون اینکه امتیازات قونسل گری یا غیر از آن که در این وقت نافذ است مقید بوده باشد - اما این معاهده بین ایتالیا و ترکیه بسته نخواهد شد مگر پس از آنکه میان ترکیه و دول دیگر بسته گردد

علاوه بر اینها، ایتالیا زیاده رسوم و دول گمرکهای عثمانی به بازده درصد از قیمت بضاعی متعدد میشود و نیز اختراعات جدید و زیادات بر رسوم پترول (غاز) و سکاغذ سیگار و قلاب (چوب) گوگرد - الامت و الکترول و کاغذ بازی (گنجه) قبول میکند بشرط اینکه بضائع دول دیگر در ما يتعلق باحتکار بمنزل این معامله تعامل یابد، ولی اداره احتکار در ترکیه بضائع ایتالیا استرداد کند بشرط آنکه ضمن آن در وقت خریدن موافق بحالت بازار بوده باشد -

بند هفتم - حکومت ایتالیا متعدد و انشاء پستخانههای خویش از بلاد عثمانیه میکند ولی در آن گهی که هوله دیگر نیز پستخانه هایشان را از آن بلاد لغو نمایند بند هشتم - ایتالیا تعهد میکند پس از این ترکیب را موافقت و تأیید کند در مسائلی که حکومت عثمانیه انشاء امتیازات را در بلاد خویش نخواهد و در این طریق دوله را اتباع کند بند نهم - حکومت عثمانیه جمیع ایتالیاها را که

نمودند، اعلیحضرت پادشاه ایتالیا (سینور پیترو برانوری) دارنده نشان (تاج ایتالیا) از درجه (گران گروا - جلیبای بزرگ) و نشان (شان مورو سان لازار) از درجه (گران او فیسبه - درجه دوم) و عضو در پارلمان ایتالیا و سینور (جیدو) دارنده دوشان مذکور و عضو در پارلمان ایتالیا و سینور (جوزی فولی) دارنده دوشان مذکور از درجه (کوماندر - درجه سوم) را معین کرد اعلیحضرت امپراطور عثمانیان سعادتلو (نایبک) دارنده نشان (عثمان) از درجه اول و سعادتلو (فخرالدین بک) دارنده نشان (مجددی) از درجه اول و نشان (عثمان) از درجه دوم را مندوب مروض معین کرد

پس از تحقیق خویش نامه طرفین بر مواد آیه اتفاق کردند

بند اول - بر اثر امضا و توقیع این معاهده حکومتین متعدد میشوند که در وقت واحد تدابیر لازمه را بمنع حرب اتخاذ کرده و در مندوب به نیرنگاه فرستاده تا قیض تدابیر مذکوره را ثبت نمایند بند دوم - حکومتین متعدد میشوند که بر اثر توقیع این عهد نامه اوامر رجوع ضباط و سپاه و موظفین ملکیه صادر نمایند، حکومت عثمانیه رجوع ضباط و لشکر و موظفین عثمانی در طرابلس النرب و ین غازی امر مینماید

و حکومت ایتالیا رجوع سپاه و موظفین خویش در جزائر امری کند و لکن آنها از جزائر عودت نخواهند کرد مگر پس از عودت ضباط و جنود و موظفین عثمانی از طرابلس النرب و ین غازی

بند سوم - طرفین باید در اقرب وقت ممکن رهائن و اسراء تبادل نمایند

بند چهارم - حکومت ایتالیا متعدد میشود با اینکه عفو تام از جمیع اهالی طرابلس النرب و ین غازی صادر نماید و حکومت عثمانیه تعهد میکند باینکه از اهالی جزائر که با ایتالیا جنگیده با اینکه شبه در عملاء ایتالیا بر آنها واقع شده است عفو نماید و این از این عفو اسباب جرائم مرتکبه ضد حقوق عمومی مستثنی خواهد بود پس این محاکمه

بند نخست - اهالی طرابلس و قیروان آنها که در حرب مشترك و در مدد جنگ جرائم مختلفه احترام نموده اند عنونام داده شود. اصطلاح مدیج يك از اهالی، با داخل بامور شخصیه یا مدیه او یا منج او از تمتع بجمیع حقوق او، بسبب هر کاری که در ماضی کرده است خواه آن عمل عسکری یا سیاسی یا غیر ذلک بوده است جائز نیست هر آنکس که برای هر يك از این محبوس یا اسیر شده است حالا و راهای باید کرد

بند دوم - شکل طرابلس در عاونه فروش دینیة خود شان مثل زمان سابق آزاد باشند و نام اعلیحضرت سلطان خلیفه اعظم در نمازهای اسلامی باید کالعماده مذکور گردد، يك نفر مثل سلطان نایب مسین از طرف او خواهد بود مامور این نایب از برادات حکومت محلیه داده خواهد شد، باید حقوق اوقاف چون سابق محترم باشد، و نباید مدیج نقبه دشواری در راه علائق بین مسلمین و رئیس دینی ایشان که قاضی از طرف شیخ الاسلام معین گردد و نواب قاضی که خودش معین نماید اقامه بشود، اما ماهانه قاضی و نواب او از برادات محلیه داده خواهد شد

بند سوم - وظیفه نایب سلطانی مذکور الذوق محافظه مصالح دولت عثمانیه و مصالح رعایای عثمانی که امر عالی صادر در ۲۵ فوریه ۱۹۱۲ بر آن اساس ندارد خواهد بود

بند چهارم اساس امر عال دیگر (دیگره) تبیین لجنه (کومیسیون) صادر خواهد گشت که یک جانب آن زاعبان اهالی مکن گردد، تا برای اداره محلیه در ولایتین قوانین و نظامات که بموجب آنها عادات و اخلاق محلیه محترم گرفته شود بحسب مبادی حربی تالیف گردد.

این امر عالی اول بامضای پادشاه پس از آن بامضای سینور (جیولتی) رئیس الوزرا و مارکر (جیولیانو) وزیر خارجه و سائر وزرا محضی است پس از این اعلیحضرت سلطان فرمان شاهانی باستقلال طرابلس صادر کرده اینک نص آن حرفیه ترجمه و درج میشود

به سکان طرابلس النرب و بی غازی
چون حکومت مرا ممکن نیست برای دفاع از بلاد

ظروف جنگ اخراج آنها را از وظایف خود وادار کرد و مامورین اقتاده آنها را که از کار باز مانده اند بآنها بدهد مدیج يك از آنها که مستحق معاش تقاعد هستند بسبب این انتطاع متضرر نگردند از جهة دیگر عثمانیه ترمیم صلحت دیون عمومیه و بنکها و راههای آهنی و دیگر از مصالح که نفوذ آن موثر باشد نفوذ خویش را بکار برده تا آنها را تحمیل بر معامله موظفین ایتالیان مثل معامله خودشان نماید

بند دم - حکومت ایتالیا متعهد میشود که سالانه بحساب حکومت عثمانیه مبلغ متوسط از یوانکه ولایتین (یعنی طرابلس النرب و برقه) در سه سال قبل از حرب بمصلحت صندوق دیون عمومیه داده است آن هم بمصلحت صندوق دیون عمومیه بدهد مندوب عثمانی و مندوب ایتالی بر این مبلغ واجب الدفع اتفاق نمایند اگر در این باره خلاف واقع شود بر لجنه محکم که محکم اول رئیس آن بوده و انلیتیه اصوات باشد احاطه شود، اگر در این حال اتفاق ممکن نگردد هر یکی از دولتین متعاهدین يك دولت را وسکایل کرده و این دو دولت مختاره حکم مرجع باصوات صفر نمایند، از حقوق مصلحت دیون عمومیه است که قسط سنوی مذکور را بمبلغ موجود ابدال کرده و از آن در صدی چهار سود بگیرد، حکومت ایتالیا قبول میکند که قیمت قسط سنوی کمتر از دو ملیون فرانک نشود -

بند یازدهم - این عقد صلح از هنگام توفیق بر آن نافذ النحول گردد

تا اینجا بود نص ماده صلح که از دو جریده (ماتر فرانسه و دیلی یوز) انگلیسی ترجمه و مندرج گردید تا ولی در جریده رسمی ایتالی (ایتالیا) نام امر عالی پادشاه ایتالیا را پس از عقد صلح نشر کرده مأمور بجهت اكمال مطلب ترجمه و درج آن پرداختیم

جوت امر عالی صادر در ۲۵ ماه فوریه ۱۹۱۲ - ۷ ماه شوال ۱۳۳۰ طرابلس و قیروان را تحت سلطنته مطلقه مملکت ایتالیانی آورد - اکنون برای ترقیه این دو ولایه و بیرون آمدن امن در آنها مواد ذیل مقرر گردید

شا بعد لازم امداد کند و نظر باهنگام مباحصالح
شا در حال و مستقبل و رغبت ما بانجام دادش
این جنگ مشغول بر شا و ممالک شا و بر امپراطور
ما و حب ما در اثر سلام و وفایه در اطراف
پکتور نان بشا استقلال داخلی تام میبخشیم

بلاد شا بتوانین و لوائح محکوم خواهد شد
که مر شارا رای مسموع در تالیف آن قوانین
و لوائح موافقت باخلاق شماخاید

و من شمس الدین بك خادم امین خودم را از
طرف خودم میان شا نائب معین میکم و محافظ
مصالح عثمانیا را در طرابلس یا واحاه خواهیم کرد
مدت تعیین او بمدت پنج سال خواهد بود - بعد
انتهای مدت مذکوره حق اقامه او را یاتمین خائف
او را بنفس خود محفوظ میدارم

نظر بر عتقا در محافظت بر سر ایالت قواعد
شریعت غرا در تعیین قاضی القضاة طرابلس حق
حفظ تعیین را بنسب خودمان نگه داشتیم و مر او را
است تا از میان علماء اهل بلد ممتثلین خودش را انتخاب
تایم و مبدفع ماهانه این قاضی خواهیم پرداخت
نائب السلطان و باقی موظفین اداره اسلامیة از
ایرادات طرابلس داده خواهد شد

امضاء - (محمد خامس)

(حکمت) - در اینجا دو تغییر در عبارت
ماهانه نائب السلطان و قاضی القضاة در طرابلس
مفهوم میشود چه در امر عالی بادشاه ایتالیا میگوید
(ماهانه نائب السلطان و قاضی القضاة از ایرادات
طرابلس الفرب داده خواهد شد) اما در فرمان
سلطان میگوید - (ماهانه این قاضی را ما خواهیم
داد اما ماهانه نائب السلطان و باقی موظفین اداره
اسلامیه از ایرادات طرابلس داده خواهد شد)
باری در هر حال این در ایالت اسلامیة که مساحت
ایراض آنها يك ملیون میل و پنجاه هزار میل
مربع که برابر شك فرانسه است بايك ملیون میل
و ربع ملیون نفوس اسلامیة قربان غفلة راو هام
عیدالحید مخلوع و اغراض شخصیه و هواجس
تضیه و شهوات پریمیة حتی پاشای صدر اعظم
اسبق و رفقة پاشای وزیر خلیجیه سابق شده
ولکه کار و لشکر لایحی را بجهت حکومت

اسلامیه نهایت نهادند . در که بدین خیانت عظمی و
اختلاس صکبری سواحل و قرضات دریای سفید را
بروی برادران اسلامی افریقی بستند و ایشان
را در سعاری و سباسب و فداقت افریقیه بی یار
و یاور گذاشته اخیرا فتنه طرابلس و قیروان را از
خریبه عثمانیه و از خریبه افریقیه در آورده
محو کردند به بیرون شدن این دو ایالت از دست
دولة علیه عثمانیه در قاره افریقیه دیگر نامی از ممالک
مستقله اسلامیة نماید . قطر مصری و سودان و برقه
(قیروان) و طرابلس الغرب و تونس و الجزائر
و مغرب الاقصی (مراکش) انقسام یافت از جهل
اعلی . و جهل و حرص و طمع رؤساء دین و
جور حکام ، شرکت و اتحاد قهقاء و نمایان با آنها
از بیداری و علم اعالی اروپا این ممالک در میان
انگلیس و ایتالیا و فرانسه منقسم گردید

اداره یا موکدن دوم یا یولونای سوم

از آغاز اعلان حرب و لشکر کشی چهار دولة بلکانی ضد
دولة علیه عثمانی اگر کسی از روی هوش و سیرت و حرکات
سوق الجیش حکومت عثمانیه را بدیده بصیرت نگه کند خواهد
دانست که حرکات عثمانیه بسبب دفاع بوده بویژه در
برابر سپاه بلغاری که از حدود بلغاریه تا مرکز اس
حرکات سوق الجیش که شهر (اداره) است چهار
فرسنگ ابرای و نیم فرسخ پیش نبوده که از روز
اول ارکان حرب عثمانی آنجا را مرکز عام و یا خود
مسکراساسی عام معین کرده اند

چنانچه پس از شروع بگیری و دار هفت اردوی عثمانی دو
آن شهر و نواحی آن مرکز گزیده همه روزه در
بی اکل مددات حربیه که بیابانی از استانبول باها می
رسد بوده و از دیگر سوی بلا انتطاع در بر تحصینات
قلاع و ساختن سنگرها و مورچلهها و سیه بندی
در شهر و اطراف شهر اداره میباشد از اینرو صاحب
الوظیفه بشرح مواقف سپاه بلکانی و شمالی و علی
الخصوص موقع اهم یل خطرناک اداره پرداخته و
معلومات زیر را از جریده (دبا) پاریسی از قول
خبیر نگارش که فی القلم موضع تته و عموم است
ترجمه و درج نمودیم

شهر اداره مرکز ولایة اداره و از حدود
بلغاریه به بیست پنج کیلومتر و از استانبول (۱۳۷)

یل بدور است و خط آهنی از استامبول به صوفیا
 و بلغراد و از استامبول به سلاویک تمتد بوده و از
 نیز اهمیت تجاری و سیاسی آن بیشتر است و عدد
 سکن آن هشتاد و سه هزار نفر و دائره قلاع و
 پیرامون حصار از شهر ادره چهار کیلومتر دور
 بوده، مگر از یک جهت که بیش از این مسافت دارد از
 سال ۱۹۰۷ (سال عقدا تفاق انگلتره با روسیه در وریقال)
 بزراه جنگ میانه حصون و قلاع راه هواری و
 نزدیک کرده و عدد سنگرها و برجها را باروها به
 بیست و پنج قلعه رسانیده و جمیع این معادل را
 باراه آهنی تنگ بهم دیگر پیوند کرد و در آنجا پانصد
 توپ از عیار (۸۷) و (۱۰۰) و (۱۲۰) و (۱۵۰)
 توپهای هاوزن خپاره اوعیار (۱۵۰) و (۱۲۰) در
 آنجاها نهاده و عدد سپاه محافظ خود شهر ۳۵ هزار
 نفر است جمیع مخیرین جرابد در این متفق الرای هستند
 که سپاه بلغار هرگز نمیتواند بر حصون ادره
 استیلاء یابد

امروز محقق شده که سرداران عثمانی هرگز بدین سر
 نبوده اند که از پشت و پیشروی ادره و در شرق
 آن در (قری کایسا، جهل کایسا) با عساکر بلغار
 بطریق هجوم بکارزار بردازند، بل همه در فکر این بوده
 اند که از عساکر بلغار جلوگیری کرده و آنان را از
 پیشتازی مانع شده باشند و اکمال معدات جیش عثمانی
 در خط دفاع غربی ادره از (بابا اسکئی) و (لوله
 برغاس) یکسره بر خط مستقیم تا (دیمتوکا)
 با تمام رسانند، از اینرو در (قرق کایسا) بیش از
 ۳۵ هزار عسکر نگذاشته بودند

و جمیع سپاه عثمانی که در (تراس) جمع شده
 بودند که بیش از دو بیست هزار نبودند که محور اینان
 را ادره مقرر کرده اند، اگر جمیع سپاه بلغاریا که از
 ۳۵ هزار بیش نیستند ادره را به پشت سر گرفته و از ۳۰
 تا ۵۰ هزار لشکر برای حصار شهر در آنجاها گذاشته
 و با بقیه الجیش بخط (بابا اسکئی و لوله برغاس) گراید
 هر آینه از قوه آن کاسته خواهد شد، بخلاف
 عساکر عثمانی که همه روزه بر عدد و عدد آن افزوده
 حتی در یک روز ۲۰ هزار نفر با آنها پیافزوده
 اما قرق کایسا که بلغاریان گرفتندش سپاه عثمانی از
 آنجا به (بابا اسکئی) که جهل کیلومتر از قرق کایسا
 فرب دور بوده برگشتند.

عدد لشکر عثمانی در آن خط تا (دیمتوکا)
 غربی ادره بشال تا ۲۰ اکتوبر ۱۵۰ هزار بوده
 و تا ۲۴ اکتوبر ۱۷۵ هزار شدند، اما بقب برگشتن
 عثمانیان از حرکات اولیه مطمئن بود، زیرا مهمات
 و عدد بقدر کافی نبوده روزانه از استامبول و آناتولی
 از هر صنف امداد با آنها رسید، اما بلغاریان از
 این حرکت عثمانیان با قاف قسم بزرگی از سپاه را در
 (تیراوا) که ۴ کیلومتر از قرق کایسا دور است
 تاجار شدند تا خط مواصلات را میان قرق کایسا و
 استامبول قطع نمایند و آنها در طول خط قریب
 صد کیلومتر منتشر شده اند، جنرال (سافوف)
 سردار کل بلغاری همه قوات خودش را بجهت شرقیه
 محول کرده و در (مصطفی پاشا) دو تیب و نیم
 عسکر گذاشته و در (فیلبه) که نزدیکترین ایستگاه
 بخطوط عثمانیه است یک فرقه کامل (۲۵ هزار) عسکر
 گذاشته اند

باز جریده (مانان) میگوید در ۲۲ اکتوبر
 عثمانیان را در قلاع ادره پنجاه و پنج هزار لشکر
 و برای حمایت از میسره اردو پنجاه هزار در
 (دیمتوکا) و بر ۲۰ کیلومتر راه شرقاً در جهت قرق
 کایسا برای حمایت میسره ۲۵ هزار و در جهت (لوله
 بورغاس) بر ۶۰ کیلومتری ادره دو بیست هزار لشکر
 گذاشته اند

جیش سربی که در ۱۸ اکتوبر ۷ ذی القعدة
 داخل خاک عثمانی شده اند غرض سیاسی عسکری
 داشته و آن این است ۸۶ فوج ببرداری ولی عهد
 و معاون جنرال (وژیک) وزیر جنگ استیلاء
 دشتان (قوصوه) را که پانصد سال قبل پادشاه
 سرب را در آنجا آواک از میان برداشته اند بوده
 و در ۲۲ اکتوبر بر بیض افواج عثمانی در کوه
 (روجان) نزدیک بر ۲۰ کیلومتری از خط (اسکوپ)
 بر (کومانوفا) یا جیش سربی جنگیده و قهر یافته
 و هدینکه بلغاریان بدشتان (قوصوه) رسیدند یاد
 از مجد قدیم کرده و بر شووشان بیفزود، اما قوه
 سربی که بهر انضمام بجیش بلغاری از خاک بلغاریا
 رفته اند ۲۳ فوج بوده که با جیش بلغاری متحد
 شده و با هم بر (کوجانا) بر ۳۰ کیلومتری غربی
 (کومانوفا) هجوم کرده با سپاه عثمانی جنگیدند، اما
 عدد سپاه عثمانی در آن نواحی نا هشتاد فوج است و

کشت اینان از (ردیف) بود و علی قدر امکان
 سلیمور ناخبر ناخت عساکر سرب هستند تا نواقص
 نانی دوهای عثمانی اکیال یابد

قوه سوم سرب ۴۵ فوج بوده پس از جنگ
 عیاشه روزی (پشتینا) را تصرف کردند

قوه چهارم سرب ۴۳ فوج برداری جنرال
 (جنگوئیچ) و مایور باتحاد جیش (مونت نورو)
 بوده که به (بنی بازار) مشغول شده. قوه عمومی

حیل اسود چهل و پنج هزار بوده که در نواحی
 (اشقودره) مشغول کارزار و پیش میروند و عدد
 عساکر عثمانیه در مقابل آنها قریب به ۷۵ هزار
 نفر اند

اما عساکر یونان روبرو (سرفیجا) شتافته که
 از آنجا (اینا) شتاند سپه سالار لشکر یونانی
 ولی عهد بوده و عدد سپاه عثمانی در مقابل صد و
 ۴۵ هزار یونانی ۴۵ هزار است. دور نیست تا رسیدن
 امدادات کافی یونانان (سرفیجا) را و بعضی فضا
 دیگر را نیز تصرف نمایند

ملوک بالکان در آغاز کار با ارکان حرب جیش
 بلکانی لزوم عساکر متحده را در بالکانها و مكدونیا
 نیم میلیون مقرر نموده بودند اکنون ۱۶ هزار
 هم بان علاوه کرده و عقاید آنها بر کافی بودن
 ۶۶۰ هزار سپاه است

وزیر داخلیه بلغار که اکنون در روسیه است
 در جمیعه اسلاوی در خطابه خود گفته، ما از روسیه
 نه مال و نه عساکر متلوعه میخواهیم بل از عالم
 اسلاوی در آخر جنگ مساعدت میخواهیم تا از

ثمره فوز و نصر خودمان محروم نمایم. مکاتب حرب
 تا پس هم می گوید. در ماه اول ماه نوامبر عدد سپاه
 عثمانی در ترکیا اوریا هفت صد هزار نفر خواهد بود
 فعلاً شرح موقع (ادرنه) و استحکامات

و قوه مدافعه آن را با وضع و ترتیب سوق
 الحین متعده بالکانی نوشته. اینک شرح جنگ
 که یکی از مذاقات استامبول و سپر بلاگردان پای
 تخت سلطنت کبرای اسلامیه است می پردازیم -

جنگله - نام ناحیه ایست (بزرگی ناحیه را
 حسب قسم الاداری (لوا) گویند. از نواحی
 استامبول بوده. از طرف غرب استامبول بسمت جنوب

با استامبول ملحق است. مساحت سطح آن
 ۴۹ هزار کیلومتر مربع بوده و منظم اراضی این
 ناحیه سطح و پهن و دو آن بعض دره ها و پشته
 ها نیز موجود است. نصف شمالی آن بر از جنگله
 و پشته ها و نیزار هاست -

عدد نفوس این ناحیه شصت هزار و برای هر
 یازده نفر و نیم نفر یک کیلومتر از اراضی بهره
 و نصیب می افتد.

بیان موقع عسکری این ناحیه - در این ناحیه یک
 رشته خط بطول چهل کیلومتر بوده جناح ایمن
 آن بدریای سیاه. و جناح ایسر آن از میان
 تنگه های استامبول و خود استامبول بدریای حرمه
 متصل است. دو جبهه این ناحیه عوارض طبیعی
 حربیه بوده و آنها دو دریاچه بزرگ (توکوس
 و (چکمچه بزرگ) و قسم سفلی از رود (قره
 صو) است. آب آشامیدنی استامبول از این دو
 دریاچه است که بالوله های معدنی در آنها
 با استامبول از طرف کومپانی اجنبی کشیده شده و
 در خانه ها توزیع میشود -

عدد قلاع و سنگرها در این خطه تفاوت است
 در بعض جا یک قلعه و در برخی جا سه صف حسب
 الترتیب الحربی موجود بوده قلاع و حصون آن
 از توپهای بزرگ و کوچک بر. در این هتة توپ
 های بزرگ از داردایل بانجا برده اند -

عدد عموم قلاع و حصون در آن قبل از
 حرب قریب صد قلاع و سنگر بوده هر آینه بانها
 نیز افزوده شده است -

(نقل از روز نامه چهره ناما)

(منظره مصر)

اسامی اعضای مجلس صلح دول پنجاه

(در لندن)

پس از آنکه سه روز فرستادگان دول بلنار
 و سرب و قره داغ در جنگله با ناظم پاشا به
 سالار قشون عثمانی اجتمع نمودند و مقرر گردید
 مجلس صلح در لندن منعقد گردد دول پنجاه
 هر یک بقرار ذیل فرستاده گنرا. همین کردند که
 این است اسامی آنها
 از طرف عثمانی - مصطفی رشید پاشا وزیر

تجارت و عثمان نظامی پاشا سفير عثمان در برلین و مابى يك سفير عثمانى در روم و صفوف بك و هلى رضا و رشيد يك كه جبهه شش نفرند

از طرف بلغار - دانت رئيس مجلس بلغارى و ما جروف سفير بلغار در لندن و بيريكوف وزير جنگ سابق او و كچوف و سافوف كه پنجفرند

از طرف سرب، نوفاكو فنج رئيس الوزرايه سابق سرب و بيلالنج رئيس مجلس سرب و دوكتور فنكس سفير سرب در پاریس

از طرف قرقه داغ - لازارويو سقو فنج رئيس مجلس سابق قرقه داغ و بابو فنج سفير سابق قرقه داغ در اسلامبول و فوانو فنج وزير عدليه او

اما يونان در مناوضه صلحيه كه (هدنه) سه روزه باشد اشراك نكرد و استدامت جنگرا خواستگار گرديد بخیال آنكه او را فتحى نصيب گردد ولى پس از مابوسى در جنگ باسيا اوهم اشراك در مجلس صلح لندن كرده و فرستاده گان خود را منتخب و روانه داشته و روز دوشنبه هفتم محرم مجلس صلح در وزارت خارجه انگليس مفتوح گرديد و سر ادوارد گرى متصدن صلح و مسالمت جوى مشهور خطابه خواند تا نتيجه چه حاصل و مداولات صلحيه بكجا بگشد

آنكه دول پنج گانه لندنرا محل صلح قرار دادند بواسطه اعلان بيطرفى قاهره دولت انگليس بود (استعداد جنگى روس)

مخبر روزنامه (ويچ پوست) تلگرافا خبر ميدهد كه دولت روس تا آنون پانصد هزار سرباز در منطقه بروج و حصار و قلاع بولونیا جمع آورى كرده علاوه تمام تيبهائى سربازان را كه در حدود نيمه هستند منظم نموده و از مداركات سربيه ايكه ميپيوند بتحقيق پيوسته كه خيال جنگ دارد. چنانچه قوه زوركى از سواران قزاق را با جميع مهمات جنگيه با فوجهاى بولونى از بولونیا بداخله روسيه و بلاد قفقاز قسمت نموده كه هنگام جنگ آشوبى برپا نكردد، باز ميگويد اخيرا نزديك پستد فر از جابوسان روسى در حدود نيمه گرفتار شده اند

(صاوت كار بهاي دول چهارگانه بالكان)

(دليل تلگراف) از روز نامه (جويج برو نكليل) كه مخبرش تلگرافا از سلايك خبر داده ميذويد!

سر بازان يونان پس از آنكه داخل اين شهر شده اقدر از مسلمان و يهود كشته و مالشانرا بشارت و زمان و دختر انشانرا بيصمت كرده اند كه ميتوانيم بتلگرافا شرح و شماره جنابات آنها را خبر دهيم - بدترين اعمال قشون يونان پس از بردن اموال بسيار و ناموس دختران غارت كردن اموال ميبند و خراب كردن معابد آنها است - مخبر جريده (نيگوفرى برس) خبر ميدهد ساكرو يونانى چون بشهر داخل شدند فرياد كردند بكشيد مسلمانانرا در اين موقع اشراى يونانى و بلغارى و سربى باقشون متفق بنام آدم كشي گذاشتند ولى عمده خيالشان سرقت اموال مردم و بى عصمتى زمان بود چنانچه در يك كوچه كه چند نفر مسلمان غنى خانه داشتند شهبان بكشد و بازده زن و دختر را بيصمت و جوامر و طلا آلات آنها بشارت برده و چهل دوزن و دختر مسلمان خود را از ترس هلاك كرده و از اين محله دو هزار و چهار صد مرد كشته و فرارى و تمام اموالشان بشارت يونانى و ديوان بلغارى و سرب رفت روزنامه (نيل) فرانسوى بشنوان (اين قشون جنگى است يادزدان راذن) مقاله منصلى از مخبر جنگى خود نشر ميدهد كه توجه اش اين است

سخت بادي در سلايك وزيد كه بايد گفت باه تمام كردن يهود بود يهوديهائى سلايك نظر برافت و مهربانى كه از دولت عثمانى هميشه ديده اند چون قشون يونان داخل سلايك شد بيرق يونانرا بر سر خاها و عمارات خود بلند نكردند قشون يونان كه بايد آنها را دزدان راهزن ناميد بيهانه بدستان افتاد بمحله يهوديه ريخته اول هيچ دختر بكر براه بكرت باقى نگذاشتند زنهارا مقابل مردان خود بى عصمت نموده اطفال كوچك و صغير را محض تشن باقسام گوناگون كته هر چه بقيمت سنگين و بوزن نيك بوده همراه برده پس از آن بركان و تبار نجانهاى بزرگ آنها ريخته انشانرا شكافه هرچه يافته بردند از انشان (زريم اعلا) ۱۴ هزار ليره ماله برده اند و از رمن (تيجيه) ۲۰۰۰ و از نخل (شحاته) ۹ هزار و از كرامان ۲۰۰ و از روسى ديان ۸۰۰

چه اشخاص از مسلمان و یهود را گرفته باختبر و شلول آنها را تهدید بقتل کرده و هرچه داشته گرفته اند این اعمال وحشی کارانه یونان بلغارستان است که در سلاویک مرتکب شده اند آیا رؤسای عمومی حجت نخواهد گرفت که در این عصر قانون بین المللی این گونه اعمال را هیچ قانونی اجازه میدهد؟ آیا این اعمال بر بریترا اروپاییان از دور خیره خیره دیده و شنیده و ساکت می نشینند ؟

جریده (اندیپادنت) که در سلاویک طبع و منتشر میشود پس از آرام گرفتن سلاویک در وقایع شهریه یکروز چنین انتشار میدهد - امروز سه پس از ظهر دو نفر یونانی در محله کریم افندی به (شودشینو) یهودی رسیده و بنای کتک زدن گذارده تا ۶۱۱ لیره وساعت و بعضی چیزهای خود را داده و رفت و در نزد مسجد بازی یونانی یهودی را گرفته و انخترها کرد . در محله شامکچی دسته از قشون یونان شبته و پنجره های خانه های یهودیها را شکسته و داخل آنها شده و پس از کشتن ۱۴ نفر مرد و بی عصمت نمودن هشت دختر و ۱۲ زن هرچه داشته اند از بول و جواهر و طلا برده اند

دکان اسحاق بقالرا شکافته از بول و شمع و روشن و بیروملی ریزه (سردین) و سیکار و هرچه بدویشان خورده برده اند شبته درهای معبد بزرگ یهودیها را شکسته و بلیدی مالیده و چرکین داخل شده بی حرمتی بسیار کرده اسباب مقدسه آنها را در هم شکسته و سوزانده و کتب مقدسه تورات را یاره یاره و اوراق او را سوزانده و بظروفش لگد کوب کرده اند در محله (هرج) بکدسته از ساهیان یونان با باغاریان و یونانیان جمعاً ریختند بدکان بقالی (فارسانو) و هرچه بود برده و خبلی اشیاء او را براه ریختند کسی قادر به تکم نبود چند نفر را هم کینباً هدف گلوله کردند. در خیابان ایازسوفیه جنازه یک نفر یهودی در حرکت بطرف قبرستان بوده یونانیها بنای دشتام دادن برده و زنده و دین و مذهب یهودیها میگذازند و سلاهی یهودیها (اسحق فارسانو) که با جنازه میرفته گرفته و نفس مرده را بزمین زده با مال کرده و از ملا مقداری بول با اسبابها گرفته و رفته اند یهودیها که از خوف جان فرار کرده بآیند مرده را برداشته از راه بیراهد قبرستان

میرند - بخانه تاجر معتبر سلاویک (هسکیا کازان) یهودی که اول معتبر تجار بوده جوی یونانی و بلغاری ریخته آنچه اسباب قیمتی بوده دزدیده و دختر بکر نامراد او را تصرف کرده و قسمی باین دختر زور آورده اند که آخر نزد پدر مادر از زور... هلاک شده بعد پهلوی خانه او بخانه (بیا کابون) دختر دوازده ساله ریخته او را هم بی سیرت کرده و تمام جواهر و تقدینه او را برده اند

مخبر مانان با سلابول و از اسلامبول پاریس خبر میدهد که فضاخ و وحشیگری که قشون و مات یونان و بلغار و سایرین در سلاویک با مسلمان و یهودی مرتکب شده اند اروپائیها را بیک معرق مشهور کردند که از سینه ها تا سالها محو نمی شود . خانه (داود سوسپل) که از اکابر یهودیان سلاویک بوده خراب کرده تمام اسباب خانه او را از جواهرات و اثاثیه حتی زنگ خیرها را هم بسرقت برده اند و خودش هم زخم منگری خورده - کلیسای بزرگ یهودیها که واقع در خیابان آبا صوفیا بوده ویران کردند تمام اسباب مقدسه او را آب دهن انداخته و لگد کوب کرده تمام چیز های دینی آنها را ضایع و باطل نمودند و بیرملا ما را انقدر تازیانه زدند که غش کرده روی زمین افتاد و هرچه بدرد می خورد بردند هشت خانواده که در جوار کلیسیای بیچاره کی زنده کی میکردند در زیر زخرو شکنجه در آورده هرچه داشتند گرفتند ، زن (ابراهیم مرده) که از خوشگاترین زبان دنیا بود گرفته اول اعمال شنیته ناو کردند پس از آن چنانچه خوابیده زبردست پاود دو کردن بند و شنیته ریو که ۱۵۰ لیره قیمت داشت از او گرفته و انگشتر های برایشان و جواهرات دیگر را از دستش در آورده و بصندوقچه جواهرش حمله برده تمامها برده اند :

اینها بود مختصری از منهل چکه ما محض خوانندگان چهره نما از جراند همه اروپویا نقل کردیم که بدانند اینها که تمدن و انسانییت و آدمیت ! و هزار اصطلاحات دروضا دروغی بخود بسته اند این است اعمال و رفتار شان ؟ این است افعال و کردار شان که چنگیز و وحشیان عصر بر بریترا شرمنده کرده اند باید گفت اوف باین مدینت آتف بر این انسانییت باد !!

(ترجمه از روزنامه (روسیا))

جریده روسیا که شیهه رسمی و از مهمترین جرایده روسیه است مقاله ذیل را قلم صحکاتب بارغ شهر (سیو بلو مورک) بمناسبت جنگ حالیه و موقع (چنانچه) انتشار داده که ما بترجمه اش میپردازیم

ما مکرر گفته ایم که هیچ قشون عظیمی برآ باسلامبول نمیتواند استیلا یابد مگر یحراً کشتیهای جنگی داشته باشد که مد او گردد. سلطان محمد قانج شهر ترانست باسلامبول استیلا یابد مگر قوه کشتیهای جنگی هم چنین هیچ دولتی نمکانش نیست باسلامبول استیلا یابد مگر آنکه کشتیهای ضخیمه جنگی بسیاری داشته باشد و مخازرات زیادی در این راه بخود هموار کند.

اما هر دولتی که در دست او کشتیهای جنگی نباشد و نخواهد باسلامبول هجوم کند قسمت اواز تمام هجرات چیزی نمیشود مگر جتههای بخون آغشته ممکن است که قتل بدهد تمام توپهای خود را از انادول باسلامبول همچنانچه قشون خود را برور از داخله انادول رویهم ریخته در زدیکی اسلامبول - زیرا برای عثمانی میکشد باسلامبول بدون آنکه تعب و خسارتی متحمل گردد، ووزرات جنگ عثمانی میداند که مرور کشتیهای جنگی عثمانی در مقابل چنانچه چندان مفید نیست، زیرا در خطر چنانچه انبوه لشکریان نصر ترا ممدوش خود می بینند و سکنه اسلامبول آسوده خواهند بود - فرضاً که اسلامبول هم محاصره گردید؛ برای محاصرین قایده نخواهد داشت و - و - برای عثمانی پیدا نخواهد کرد، خصوصاً که بلغار در دویا نکشی جنگی و نه قشون دارد چنانچه کشتیهای یونان امکانشان نشد که در دردنیل نمایشی بنمایند.

گرفزار شدن جمعیت اتحاد و ترقی اسلامبول

از اخبار وارده عمومی و خصوصی و تلگرافات و روزانه خلاصه اش این است که پس از آنکه دشمنان جانستان از چهار طرف بخاک عثمانی حمله آور شدند و کشتی استقلال دولت عظیمه اسلامیه عثمانی در گرداب بادهای مخالف دوچار شد جمعیت اتحاد و ترقی که سبب خدمات یا خیانات آنها چهار پنج سالست گوش عالی و دانبرا گرفته فوری انجمن خود را تشکیل میدهند و فراوانی میکنند، اولاً کشتن سلطان محمد رشادخان و

دوم کشتن کامل پاشا صدراعظم، سیم گرفتار کردن بعضی، چهارم دولت عثمانی را از مشروطه بجمهوری نازل دادن، پنجم محمود شوکت پاشا ز بر جنگ سابق را رئیس جمهوری کردن! چه مثل است نیکو

(تو کار زمین را نگو ساختی)

(که بر آسمان نیز برداختی)

چون این خیالات خام در دیک هوششان بپوش و خروش آمد - از اتفاقات حسنه دولت عثمانی واقف گردید و امر بگرفتار کردن آنها کرد، طلعت یک وزیر پست و تلگراف سابق و جاوید یک وزیر مالیه سابق و حسین جامدیک مدیر طین اینها فرار و کسانیکه تاکنون گرفتار شده اند بالغ از هزار نفرند، محمود شوکت پاشا هم تحت مراغبت آمده. ما باید بحال حیالت و نادانی خود خون گریه کنیم و به تربت اسلام و یکی مشق مسلمانان بی کس زار زار بزاریم، آری دول اسلام باین روز سیاه دوچار نشدند مگر از جهالت و خود فرضی و نادانی سران قوم، چه از ملایمان دین ز روجه از سران آیین پول - زیرا کدام عاقل بیغرض تصویب این اعمال را میکند در حالیکه چهار دولت بالیکان با هجرات یدایی و فتوحات دمام خود را نزدیک پای تخت عثمانی رسانده اند، این ناخاف اولادان خائن برای اغراضات شخصیه مد خیالات دشمنان گردیده در فکر کشتن پادشاه و صدارت و تغییر دوات دادن افتاده.

(دردا که دواى درد پنهانی ما)

(افسوس که چاره پریشانی ما)

(دردست کسانست که بنداشته اند)

(آبادی خویشتن بپورانی ما)

مطبوعات تازه

بوشهر

حیات انسان بسته باجماع روح اجتماع صنعت و فلاحیت و رواج صیعت و فلاحیت منوط به تجارت است و رونق تجارت موقوف به تسهیل وسایل نقلیه است، بدیهی است که سرعت و ارزانی وسایل نقلیه درازدیاد تجارت و جلب ثروت مدخلیت تامه دارد - مثلاً یکمن قند بواسطه ارزانی کرایه و سرعت وسایل نقلیه از مارسیل تا بوشهر با آن همه پند مسافت یکمن پنج شاهی کرایه دارد و از بوشهر تا شیراز

چون خواهد شد و مالیات بفرالحق گندم و جو که سالی قریب بده هزار تومان است از او منقطع خواهد گردید - تنها سنت ناستوده این شخص منحصر باین يك مطلب نیست - يك عداوت خصوصی نسبت بمشروطه و مشروطه خواهان دارد - از طلاب و علما هر کس که این مسلک را داشته باشد بهوام رعایا میفهماند که این ها لامذهب هستند و تمام ترس حیدر خان از این است که هرگاه مملکت مشروطه دولت دارای اقتدار شود جزیره خارک که سالی پنجاه هزار تومان مرورید دارد از او متنزع - و عمل قاچاق که اسباب نفع کلی برای او میباشد موقوف گردد

(تلگرافات مهمه)

برای قرضه چین دستخط ابتدائی بر مسوده شرایط آن شده و این استقراض بیست و پنج میلیون لیرا به کفایت عایدات نمک می باشد . سندات این استقراض در صدی ۹۳ بچین داده خواهد شد - و اداره مالیه چین ریاست (هررومپ) آلمانی مصارف این وجه را نگرانی خواهد نمود و این مستشار آلمانی در ملازمت دولت چین داخل گردید - در (سنگ چن) تبندان بر قشون چین حمله نموده ۳۰۰ نفرشان را مقتول ساخته و ۶ عراده توپ سریع الاطلاق هم از آنها ربوده اند -

روز نامه فیدگاروی پاریس می نویسد از طرف وزارت مستعمرات فرانس کیسیونی ریاست کپیتان [ایارد] حرکت نموده که خصوصاً شور و فخر نماید در حالات مسلمانان هندوستان و چگونگی وضع و خیالات آنان نسبت بدولت انگلیس ، و اگر ممکن شود اصولی که نافع و مروجه هندوستان باشد برای مستعمرات اسلامی خود کسب نماید -

(جبل التین)

این کیسیون در حقیقت برای سنجش حیثیات اسلامی هند است و میخواهد اگر ممکن شود اه ولی را کسب نماید که در آینده مسلمانان مستعمرات فرانس نتوانند برخلاف فرانسویان ابراز حیثیاتی بدهند و این کیسیون فواقعه کاشنده حیثیات اسلامیان است برای آتیه فرانسه -

وزیر خارجه آلمان [هرمان کدران و اشتر] این دار قلم را وداع نمود -

با قرب مسافت بکمن چهار قران و نیم الی پنج قران - همین نکته سبب انزال تجارت ایران گردیده و ایران را دچار فقر و بدعین نموده است -

در این دوره اخیر که ضباط و کدخدایان عرض راه بنای تمدنی واجحاف را گذارده مبلنی بر ماخذ کرایه معمولی افزوده گردید - مکاربان نا امنی و تعدیات تفنگچیان را پناه نموده بر اصل مبلغ حق الکرایه بالمضاعف اضافه نموده بودند ، علاوه حرص دلالان و مسابقت تجار بر حمل مال التجاره خویش مقدار دیگر را اضافه نموده بود که اساله کرایه صدمن مال التجاره بمبلغ چهل و پنج الی پنجاه تومان رسیده و اسباب انحطاط و انزال تجارت گردید با وجود آنکه از بدو ورود ایالت فارس تا کنون تفاوت کلی در امنیت راه و تعدیات تفنگچیان بهم رسیده ، لهذا موقر الدوله حکمران بادر محض آسایش کامله و رونق تجارت در چند روز قبل مجلسی در دارالحکومه از وجوه و عاید تجار داخله و خارجه تشکیل و قرار بر این دادند که از اول محرم تا سه ماه دیگر کرایه باختلاف اجناس صد من سی الی سی و دو تومان باشد و تجار مراقبت و منافست را ترك نموده قائل به نسبت مال التجاره بین عموم تجار تسهیم و دلالان و غیرهم هر کس از قرار داد مذکور مخلف نماید مجازات شود - و برای پیشرفت این کار يك اداره نقلیه تشکیل نموده که عموم تجار بطور راحت و آسایش مال التجاره خود را حمل نمایند ، چنانچه ایالت فارس هم يك چنین قرار داد و يك اداره نقلیه در شبراز تشکیل بنمایند اسباب سهولت تجارت و آسایش عامه و اروزانی مارتجاره داخله تواند گردید

(براز جون)

چند سال است که بین خوانین براز جون و شبانکاره آتش نزاع و جدال افروخته گردیده جماعتی بفرالحق مقتول و مبلنی اموال مهوب میگردد اصل القاء این عداوت بین خوانین برای بردن بلوک (زبراه) گردید - ولی حال چند سال است که آتش این فتنه را حیدرخان بندر ریگی دامن میزند و نمی گذارد بین خوانین اصلاح شود و اسباب آسایش و عبت گردد - زیرا اگر بین برازجون و شبانکاره صلح واقع شود عمده معامله بلوک شبانکاره با براز

دولت چین چنین معلوم نموده است که ۱۰۰ نفر از قشون انگلیس از طریق هند بسم حفظ تجارت وارد تبت شده اند -

بر حسب تلگرافیکه از پترسبرگ رسیده (نوپوریمیا) مینویسد که (بوریا تاجور حیف) از لاسا به (ارگا) آمده بیان نموده است که تبت آزاد خواهد شد و دلای لامبر اریکه حکمرانی متمکن خواهد آمد و بیان نموده که او مجاز است بن تبت و منگولیا عهد نامه منعقد سازد و ازین رو بروسیه می رود که دولتین روس و انگلیس معاهده نموده تبت را محفوظ دارد و پس از این تجویز دلای لامبا بمعاونین خود اجازه خواهد داد که مال تجارت خودشان را بدون کربک وارد سازند و هر گونه امتیاز تلگراف و راه آهن و کار کردن در معادن وغیره که بخواهند به آنها خواهد داد -

براس مکتوبه ژاپون مشغول تشکیل کابینه جدید است

شیر انگلیس بوزارت خارجه چین اطلاع داده که اگر اطمینان به پای بندی معاهده تریاک ندهد مجبوراً بدون خود خواهد نوشت عدم پای بندی چین را بمعاهده مذکوره

پنج بانک های انگلستان که برای دادن قرضه چین اتحاد و شمولیت نموده اند تمام متحد و حاضر اند فقط مناقشات بانکان توپیک در انجام کار نموده است روز نامه طمس لندن اظهار مسرت می کند

ازینکه برنس کتسوره تشکیل وزارت جدید ژاپون را داده چه برنس مشار الیه اولین طرفدار معاهده انگلیس و ژاپون است چه از این عهدنامه دولتین را منافع عمده حاصل آمده و امنیت در اقصای شرق قایم گردیده است. طمس را عقیده این است که ژاپونیان را اشد ضرورت افتاده که مصارف بحری و بری خودشانرا بر طبق میزان عائدات مملکت بمانند و امید نموده است که برنس مشار الیه در این امر مهم مقضی المرام گردد

دولت روس مصمم تعمیر چهار فرورد کروزا بر درجه اول گردیده است

مستر اکلند بجواب (مرادورد کارلاپل) اظهار داشت که من باب معاهده تریاک دولت چین تا کنون جواب مراسله شیر انگلیس بر بیان جابردن و

طاده است، و دروزارت خارجه انگلستان شکایات تاجران هندوستان رسیده در این مسئله کاملاً غور میشود که آیا امسال در چین چه قدر تریاک زراعت شده و چگونه تدارک فروش آنرا نموده اند نتیجه مسلك حكومت بتدارك چین در خصوص فروش تریاک ظاهر خواهد شد ولی تا جائیکه بحکومت ما ظاهر شده نسبت بموسم گذشته زراعت تریاک در چین کم شده است

بر حسب خبر رسمی که بمجنرال فونسلگری ژاپون در کابینه رسیده تشکیل کابینه جدید ژاپون از این قرار است،

- برنس کتسوره - رئیس الوزراء و وزیر جنگ
- وای کونت اوره - وزیر داخله
- مستر سوکی - وزیر مالیه
- جنرال سمرون کپلوسی - وزیر جنگ
- مستر متسو مورو - وزیر عدلیه
- مستر شیبا - وزیر معارف

مستر اونا کاشوئی - وزیر زراعت و تجارت
 برن گوتو - وزیر تشریفات
 در توکیو قصد قتل شاهزاده (یاماگاتا) را نموده
 قاتل دستگیر شد

رئیس الوزرای حالیه فرانس موسیو [بویکار] در انتخاب جدید فرانسه امید وار ریاست جمهوری میباشد

دولت چین اعلانی اشاعه نموده که در آت فرامین خاندان مانجو وسلطنت جمهوری چین مندرج است، و حال را متنبه نموده که منع تجارت تریاک هند منحصر است به ترک زراعت در چین وتوسیه نموده است بحکام در پای بندی بمعاهده تریاک

روزنامه طمس بر این فرمان تقادی نموده می نویسد - اگرچه بجای خود این فرمان صحیح است ولی هیچگونه پای بندی بر مواد آن نخواهد شد، نه تنها مسئله جلوگیری تریاک هند در شنگهای و کنتان مورت خساره تجار بمشی و کابینه میباشد بلکه سبب خساره بانک ها و سرافان بزرگ هم شده است، حکومت هند نباید وجه تریاک را از بحار بگیرد در صورتیکه نمیتواند دولت چین را مجبور به پای بندی معاهده نماید، روزنامه مذکور می گوید که دولت چین نمیتواند به حال خود در پای

سندی بر مواد مساعد جریاید، لذا بهتر است که ترک فرستادن تریاک نشود -

بر حسب تلگرافیکه از (بن غازی) برقه الحمره رسیدہ اعراب طرابلس ضرب بر مقدمه الجیش ایتالیها سخت حمله برده پس از اینکه ۶ نفر از آنان مقتول و ۱۳ مجروح نمودند منتشر شدند و چنانچه ایتالیها بگویند نقصانات اعراب زیاده شده است پس جہازات ایتالی ساحل (زیابہ) را بمبارد کردند مظنون است که بمعدہ وزارت خارجه متوفی المان (مروان زمرین) معاین وزارت خارجه تعیین آید تاکنون بوزارت خارجه برلن کسی معین نیامده و چنان تصور شده است که (مروان زمرین) و سنبر المان در روم هم از قبول این عہدہ استکفاف نموده اند

تلگرافات راجع بہمان
سه فر از طرف حکومت موقتی البانی بلندن آمدہ یاد داشتی برای عور سنرای دول پیش نمود خواهش کرده اند حصہ خاکی که دو او شامل است (جنتیا، مروتزا، اجک) جزء خاک البانی قرار یابد مشارالہم در ۲ جنوری در وزارت خارجه انگلستان سر آرتھر نکلسن را ملاقات نموده برآیندہ البانی صحبت داشته اند

روز نامہ لندن می نویسد کہ بدوچہ ایقان رسیدہ ۵ فقرہ ساختوی ادریانویل بواسطہ قلت آذوقہ بتوہ آمدہ و گفتگوی تسلیم آنها برود روز نامہ لندن در مقاله افتتاحی خود می نویسد کہ کلمات بزرگ مسیو دانٹ رئیس ہیئت صلحیہ بلنار ایقان می دهد کہ صلح گامیا باہ و باعزت حاصل خواهد شد چه در خارج شورای صلح ہم دوستانہ و متحدانہ بہن وکلای صلحیہ دول بحارب گفتگوی آشتی می شود

سنرای دول ۲ جنوری در وزارت خارجه انگلستان عقاید خود شان را در خصوص صلح بالکان پیش نموده اند

چون وکلای صلحیہ عثمانی را از بالکانی ہدایات جدیدہ نرسیدہ باعث شش مسائ ۳ جنوری شورای صلح منعقد گردید وکلای صلحیہ امارات بالکان برہ مسئلہ اتمام حجت نموده (انتیانوم) حاکی بر تصنیہ ادریانویل و جزایر بحر سفید و کریت داده این نکتہ را ہم علناً ظاہر داشتند کہ اگر باجالی بطریق وضوح بر حسب خواهش امارات بالکان جواب ندمد تا ساعت ۴ عصر ۶ جنوری گفتگوی صلح منقطع خواهد گردید، وکلای صلحیہ عثمانیہ جواب دادند کہ تا فردا یعنی یک روز قبل از موعد جواب داده خواهد شد و بر این رای ہم اتفاق

گرفتہ، از مرز میان ترکان توجہ صمیمی شان بطرف صلح معلوم می شود و گویا دانستہ اند کہ منقطع شدن گفتگوی صلح تا گزیر است

بواسطہ همین جواب وکلای صلح عثمانی بود کہ وکلای صلح بالکان اتمام حجت نمودند مجوزہ ترکان این بودہ کہ شہر ادریانویل در قبضہ عثمانی باقی و از قرب آن خط سرحدی کشیدہ شود کہ غرباً بروبخانہ اردو منقطع سازد خلیج (لاگوس) را در شرق و منتهی شود بہ (تھاسوس) در خصوص کریت وکلای صلحیہ عثمانی اظهار داشته کہ حقوق خودشانرا بہ یک از دول بزرگ اروپا واگذار توانند نمود تا وضع حکومت آیندہ او را تشکیل دہد مشروط براینکہ اصرار بہ تسلیم جزیرہ دیگر نشود، وکلای صلحیہ امارات بالکان جواب دادہ و تاسف ظاہر کردہ اند کہ باجالی متوجہ بہ نتایج جنگ نگردیدہ است ما بحق خواهیم بود اگر فوراً گفتگوی صلح را قطع نمایم ولی برای سبوت مسلک صلح خواهانہ خود خواهش می نمایم کہ تاہوم دو شبہ ۶ جنوری باجالی مجوزہ نازہ خود را بمجلس صلح پیش نماید و حقوقیکہ بر جزیرہ کریت دارد کاملاً بہ امارات بالکان واگذار و تسلیم کند شہر ادریانویل و جزایر بحر سفید را، و وہ گفتگوی صلح منقطع خواهد گردید، وکلای صلحیہ عثمانی همان جواب را دادند کہ فوقاً ذکر شد

وکالت روتر معلوم نموده است کہ وکلای صلحیہ باجالی بہ هیچ وجه رضایتواند داد کہ شہر ادریانویل و جزایر بحر سفید را تسلیم کنند ولو ہر چه پیش آید

پادشاہ بلنار بحواب عرضداشت پارلمان اظهار داشته کہ تاکنون امید من از انجام صلح قطع نگردیدہ است ولی ہر گاہ مشیت خداوندی برخلاف صلح تعلق گرفتہ باشد فوراً ہم تملک نخواہیم ورزید کہ مجدداً اسلحہ گرفتہ مفاوضہ آہمہ قربانیہائیکہ درین جنگ دادہ ایم از ترکان بکریم اخبارات لندن می نویسند بر فرضی ہم کہ گفتگوی صلح منقطع گردد دول دخالت نموده نخواہند گذارد مجدداً جنگ پیش آید

چهارم جنوری در وزارت خارجه انگلستان سنرای دول مجتمع آمدہ برخی از وکلای صلحیہ ہم شامل بودہ اند

موسیو جنسکو وزیر داخلہ رومانی وارد لندن گردیدہ و از این رو توجہ عمومی را بطرف مناقشات بلنار و رومانی جنب کرده است و چنان تصور می شود کہ این مناقشہ انقلابات موجودہ را یکی از عناصر قوہ می باشد و کان می رود کہ باجالی از مداخلت رومانی قائلہ برگیرد - بلنارین

که دول البته مداخلت خواهند کرد و باید هم بکنند
 داکتر دایف بلغاری بوکالت روتر اظهار داشته
 که تعلقات دوستانه رومان و بلغار خوب است و
 سببی ندارد که بطریق دوستانه مناقشات سرحد بندی
 آنان بعد از حتم جنگ تصفیه نیابد

بر حسب تلگراف اسلامبول بتاريخ ۴ جنوری دسته
 جہازات جنگی عثمانی را حکم شده که بطریق قطع با یونان
 جنگ نموده - در قریب (تای دوس) جنگ شروع شده است
 و حسب تلگراف امن جہاز مجیدیه و جدیدیه
 که مصادم از جہازات پوشک شکن یونان در بحر
 اسود شده باش فرود دسترابر ۳ جنوری
 از داردنلز خروج و جہازات مذکوره با
 جہازات دسترابر یونان مقابله نموده وقتی دسته
 جہازات جنگی یونان رسید آنان بداردنلز عودت کردند
 و حسب تلگراف اسلامبول بواسطه دخالت
 افسران جنگی در معاملات ملکی خوف انقلاب پیش
 آمده و چنان گفته شده است هیتی که عبارت از
 ۱۵۰ افسران شتالجه بوده از طرف قشون بابالی
 آمده خواهن نموده اند که عزت پاشا رئیس اداره
 جنگی بحای ناظم پاشا وزیر جنگ برقرار آید

بوکالت روتر معلوم نموده است بواسطه صلاحی
 که دول داده اند ۶ جنوری مخابرات صلح منقطع
 نخواهد گردید و ازین بیان چنان تصور نشود که
 تغییری در مسئله ادریا نویل پیش آمده بلکه باجمالی
 مجوزات جدیدیه در این خصوص پیش خواهد نمود و
 بزودی تسلیم ادریا نویل خواهد شد

بطریق نیم رسمی در صوفیه تکذیب شده است
 که دولت بلغار میخواهد صوبه در بحر اسود از
 (الذتر) تاراس (کل گراد) رومانی بدهد و یا
 اینکه این نغمه گرفته است - صارف لشکر کشی او را به بردارد
 کابینه وزرای عثمانی هفتم جنوری مجتمع و بحث
 نموده اند که انور بی و قهی بی را افسر کل قشون
 شتالجه بر قرار دارند ، منافسه که بین جوانان لشکری
 ترک و کابینه است خیلی سخت میباشد و جوانان
 ترک مستعد اند برای شروع نمودن جنگ

در روم تلگرافیکه از لندن رسیده بنظر اهمیت
 می نگرند که دول اتحاد مثلث میخواهند که جزایر
 متصل داردنلز (جیوس - متین - سکوس -
 رودس -) بدولت عثمانی برقرار مانده تا موازنه قوای
 دول در بحیره روم قائم ماند

سرویا دول را املاع داده که بمناسبت صلح
 خواهی و برقراری امنیت حاضر است که پس از
 امضای صلحنامه قشون خود را از سواحل ادریاتک
 باز کشد و امید می نماید که دول روس اعتدال
 پسندانه او را مد نظر گرفته قریبیهایی دیگر از او
 نخواهند که خروج از اختیار او باشد

مقیمین لندن را عقیده این است که مداخلت رومان
 ازین رو دارای اهمیت نتواند شد چه این روش موثر
 ابتلای دول تواند گردید - وزیر مزبور باد اسکتر
 دایف دیروز ملاقی آمده و در ضمن گفتگوی
 خود باوقایع نگار روتر اظهار داشته که تاکنون برای
 برقراری امنیت قریبیهایی بپار داده ام ولی نمیتوانم ضمانت
 آینده امنیت را بنهائیم و انکار نموده است تشریح مطالبه را
 که رومان از بلغار من اب وسیع سرحدی ملکی نموده است
 افسران رومانی که برخصتوقه بودند حکم یافته
 که مستعد شده هر آن که آنان طلب شده حاضر گردند
 ضمن مینویسد که از مذاقات وزیر داخله رومان
 و داکتر دایف بلغاری ظاهر میشود که
 بلغاریه بر حسب صوابدید روس حاضر شده است
 که ترمیمات خنثی بر سرحد رومان داده و خط
 قاصد از (سلترا) تا بحر اسود قرار دهد رومانیه
 پیش ازین طلب مینماید ولی برای حصول آن حاضر
 جنگ نخواهد گردید

و شب پاشا از صدر مجلس صلح خواستار آمده
 که گفتگوی صلح تا ۶ جنوری ملتوی ماند چه
 هدیات جدیده باسالی باز رسیده است

و حسب تلگراف (امن) دو هزار قشون ساخوی
 عثمانی در جزیره (جیو) مطیع یونان گردیده اند
 مابندگان صاحب امارات بالکان رسا بوکالت روتر
 خبر داده اند اگر باسالی شرائط صاحب را تاروز
 ششم جنوری تسلیم نماید گفتگوی صلح منقطع و بر
 حسب شرط اتوای جنگ پس از چهار بوم در تمام
 نقاط شروع جنگ خواهد گردید و اگر ترکالت
 خواهش نمایند که مسئله صلح بفرمای دول سپرده آید
 قدمه دار خود ترکاند و ابداً ربطی به امارات بالکان ندارد
 مابندگان قره طاغ بوکالت روتر اظهار داشته
 که اصرار ترکان در عدم تسلیم ادریا نویل خیلی
 بیجا و بیوقع است چه ترکان در معاهده (سان
 استینانو) هم ادریا نویل را داده بودند و بلغاریها
 امتیازات زیاد به مسلمانان داده و امینان خواهند
 داد که برای همیشه مسجد تسلیم مسلمانان و اجازه
 گذاردن نماز خواهند داشت - یادگارهای مقدسه
 آل عثمان را محرم خواهند گذارد و چهارصد هزار
 مسلمان که در بلغار سکونت دارند باکال آزادی
 و آرامی و از خدمات قشون مستفی میشوند

بر حسب تلگراف اسلامبول کابینه وزرا دو ساعت
 کامل مجتمع و از آن بعد هدیات جدیدیه بوکلای
 صلحیه خودشان در لندن فرستاده اند و هر چه
 تصور میشود که حکم برود التیایوم داده شده است
 بوکالت روتر از مراکز موقه معلوم نموده است
 که مجددا جنگ پیش نخواهد آمد و هر چه مینماید

بر حسب تلگرافات مختلفه که اشاعه یافته دول متحد
گرفته اند که ادربانویل به بلنار سپرده آید
قطر مساجد و قبور خلفا محفوظ و بن المللی قرار
گیرد و چنان بیان شده که بلنار این مستثنیات را
قبول خواهد کرد اگر از وی طلب شود
بطریق عموم شهرت یافته که دول حاضر شده
اند اگر دوزخ دیگر موانع صلح برقرار ماند در
تسلیم ادربانویل فشار به بابالی باورند ولی بتازگی
از اسلامبول خبر رسیده که دول مجبور سرادورد
گری را که ادربانویل بتزکی باقی ماند مشروط بر
اینکه قلاع و سایر مهات جنگی ادرا بشکنند منظور
خواهند نمود
در حلقهای سیاسی اسلامبول آرام به اتفاق
تلفه مخصوصاً روس و فرانس میدهند که امارات
بالکان را مشوق آمده اند - ولی مخصوصاً به
انصاف پسندی دولت انگلیس و سایر ملل منصفه امیدوارند
بطریق رسمی در بیان اشاعه یافته دول که تصفیه
نموده فوراً فیصه مناقشه صلحیه باید بشود و در
این خصوص به اسلامبول و وکلای صلحیه لندن
مخبره شده که عاجلاً آغاز جنگ نشود
رئیس هیئت صلحیه بلنار داکتور دنیف بوکات روتر
اظهار داشته که امید بهبود مجوزات امارات بالکان
تسلیم و امنیت بر قرار ماند
هفتم جنوری انتظام شده است که فوراً قرصه
مختصری به بابالی داده آرفع ضروریات فوریه خود
را بنماید و از این نکته ظاهر میشود که امید
واری صلح قوت یافته است
ناظم پاشا و نورادنیان پاشا وزیر خارجه عثمانی
یا قطار مخصوص بوم هفتم جنوری بملاقات سه سالار
قتون بلنار رفته و شام عودت نمودند
وکالت روتر معلوم نموده است گنگوی تصفیه
مناقشات سرحدی رومانی و بلغاری ترقی نموده -
و چنان تصور میشود که دول سعی اند که بین امارات
مذکورترین در این موقع جنگی پیش نیاید
شبهه و یکشنبه گذشته در مجلس صلح نمایندگان
وا آرای وسکون دست داد، وکلای صلحیه بابالی
هفتم جنوری مجوزات تازه خودشان را پیش خواهند
نمود و در آن موضوع بحث خواهد شد، وکلای
صلحیه بابالی و امارات موافقه بالکان از فهایش
سفرای دول اهمیت موقع را بخوبی متفهمند
که اگر مجدداً جنگ شروع شود بیبدگیهای
خطرناک پیش تواند آمد، تا وقتی که ادربانویل تسلیم
نشود دول مداخلت در معاملات صلح نتوانند کرد
و هیچ تصور میشود که تا ده روز دیگر ادربانویل
تسلیم خواهد شد، و بزحکومت جالبه عثمانی میفرزاد

که ذمه داری خود را نزد ملت خویش باین اصول
مرتفع دارد که تمام دول بزرگ متفقاً من باب تسلیم
ادربانویل باو فشار آورند
روزهای رسماً سرویا پروتست سختی اشاعه
داده که دول می خواهند توسیع خاک ایانی را به
تقصانات سرویه بدهند و می نویسند که دوات سرویا
هرگز بچنین امری رضا نخواهد داد
مجم جنوری مجلس صلح يك ساعت منقذ و
سپس وکلای صلحیه متفرق گردیدند، وکلای بابالی
برخی حصص را در شمالی ادربانویل پیش نموده
ولی از سپردن شهر امتناع می ورزند و نیز اظهار
داشته اند بابالی بشرطیکه جزایر دیگر از او بابت
نشود حقوق خویش را از جزیره کربت مرتفع
تواند داشت، از آن پس وکلای صلحیه امارات
بالکان با یکدیگر مشوره نموده چنین تصفیه کردند
که چون بابالی جواب کافی به مجوزات آنها نداده
لازم آمده است که گنگوی صاحب را معطل دارند
از آن پس بطریق عانی صحبت نموده اظهار داشتند
که غرض ما از این مجوزات شکستن مجلس صلح نیست
بلکه گنگوی صاحب را ملتوی داشته ایم تا بابالی جواب
مجوزات ما را بطریق کافی بدهد - وکلای صلحیه
بابالی با کمال ختم از مجلس بیرون آمدند، وکلای
امارات بالکان بیان کرده اند که بدون شهادت مجلس صلح
می شکست ولی بصلاح دول بزرگ معطل ماند
وکلای امارات بالکان چنین رای داده اند تا
موقع عید میلاد مسیح باصول کلیسای یونان گنگوی
صاحب ملتوی ماند بوم پنجشنبه و جمعه مجلس منقذ
خواهد شد تا بابالی موقع یافته جواب کافی از
مجوزات ما بدهد و بطریق غیر رسمی بین وکلای
صلحیه دول متجاوب هم مبادله افکار بگردد
هفتم جنوری سفرای دول در وزارت خارجه
انگلستان مجتمع که بر نتایج تطبیل غیر همین
مجلس صلح بحث نمایند - روتر معلوم نموده است
که سئرا متظر هدایت دول خود هستند که در خصوص
صلح متفقاً کار روانی نمایند که هیچ تصور می شود
که دول مخالف نیستند که ادربانویل به بلنار سپرده آید
در دارالشورای ملی انگلستان سر ادورد گری
وزیر خارجه اظهار داشت که دول غور میبایند
اگر گنگوی صلح منقطع گردد اقدامی بکنند و
نتواند هیچ بیان در خصوص مجوزات و رای دول
اظهار نماید مگر برضایت آنان
در کابرنس صلح هفتم جنوری تازه پیش نیامده
اتق سیاسی صاف بنظر می آید، دول متفق اند
که در حل مشکلات ترک و بالکان و بلنار و
رومانی غور نمایند

روابط اتحادیه روس و آستریا ترقی بخش است.
چه دولتین با خلوص نیت مخیره دارند.

در یاریس اشاعه یافته که نایش جنگی دول
بر اسلامبول من باب قبولآیدن شرایط صلح غالباً
ناهنده آئیده ملتوی خوا دماند. چه دول درخصوص
سپردن ادربانویل متفق اند. البته اختلافی درخصوص
جزایر بحر سفید دارند. اتفاق ثانیه روس انگلیس
فرانس سایی اند که این جزایر سپردن به یونان
شود. اتحاد مؤتث آنان اسریا ایتالی مایل اند که یک
عددی کانی از آن جزایر بتیضه عنانی باقی ماند.

پدشاه قزوین شایع تمجید نامه در روز عید میلاد مسیح
به اصول کلیسای یونان بنام قشون خود اشاعه داده
یس از ترفیق و توصیف از شجاعت و بهادری
آنها تشریح داده که ممکن است برای بدست آوردن
بای تخت قدیم خودشان دوباره بمحک مجبور شوند.
در این تمجید نامه اشاره بمخالفتی است که اسریا
در تبضه قزوین من باب سقوطه نموده است —
سنرای دول ۹ جنوری ۳ ساعت مجتمع و
بخوابی با یعنی را. من باب ادربانویل شور نموده اند
در حلقه های سیاسیون عثمان شهرت دارد که اگر
دول در خصوص تسلیم جبری ادربانویل بنمایش بصری
هم فشار آید کامیاب. شواند گردید. ولی آنان
حاضر اند برای اهدام قلاع ادربانویل —

بابالی سنرای خود در بای تخت ملی دول رسماً
تکلیف که اگر وکلای صلاحیه بالکان تا آخر این هفته
تجارت با ابالی را منظور نمایند وکلای صلاحیه خود را
به اسلامبول طلب خواهند کرد —

سنرای دول در اسلامبول مسوده مراسم را
مرتب نموده که بوم دوشنبه سیزدهم جنوری به
باب عالی پیش نمایند. همچو تصور میشود که این مراسم
بدون رنگ آمیزی است و صلاح داده اند که
ادربانویل به بلغار حواله شود. ولی هیچ گونه
دگری از فشار بصری نیست —

سنرای دول ۹ جنوری مجدداً در وزارت خارجه
انگلیس مجتمع آمدند —

بر حسب تلگراف پیرویه ترکان ادربانویل را
گذارده میروند و فقط شدید شهر را احاطه کرده
روزانه ۲۰ قتال بان به پایتخت داده میشود و
هیچ گونه تمذیه دیگر موجود نیست و هر آنگاه
تصور تسایم آنان میروند —

ملاقاتی که بین ناظم پاشا و جنرال بلغاری شده
بی نتیجه ظاهر گردید. چنان تصور میروند که ناظم پاشا
خواهنش نموده بود که آذوقه به ادربانویل بفرستد
و قبضه بر شهر را هم تصدیه کند. جنرال ساوف بلغاری

جواب داده که مسئله اول در اتوانامه جنگ تصدیه
یافته و مسئله ثانی در مجلس صلح باید تصدیه یابد —
بهر قسم مجوزات در خصوص ادربانویل هفته
گذشته غور شده. مثل اینکه شهر را بیطرف قرار
دهند. ولی در هر مجوز تقصی بیدار آمد. لذا اول
چنین مجوز نموده که از سپردن ادربانویل به
بلغار ناگزیراند. و هیچ تصور میشود که این
مسئله موضوع بحث آمده که چگونه برای تسلیم دو
این مجوز به ترکی فشار وارد آورند —

در خلیج (دیروکوس) قرب شتالجه جنگ خفنی
پیش آمده بلغاریان سعی در قطع سیم تلگراف بوده
شکست یافتند و ۳۰ نفر از ترکان مجروح گردیده اند
چنان گفته میشود که در ناپید اسریا دولت
ایتالی هم شریک است که سقوط طریقه و جنینا و
بریزند در امارت آزاد البانی محسوب آید

بر حسب خبریکه از بخارست بروز نامه طمس
رسیده رومانی چون گفتگوی مصالحت با بلغار
بی نتیجه مانده مصمم گردیده است که بشرق دست
صله بی طرفی خود را که دعوی نموده حاصل نماید
دواتین آستریا و روس رومانی را فهایش نموده دو
روز از وی مهلت خواسته اند. در بعضی از حلقه
های سیاسیون شهرت دارد که فقط این تدبیری
است برای مطیع ساختن بلغار — وجوه عدیده موجود
است که دول خویشان را دخیل در این مناقشه
نخواهند نمود

چون مناقشات بلغار و رومانی بجای نازک کشیده
ورود وزیر تجارت رومانی به اسلامبول خیلی محل
توجه گردیده است و اگر بحالت موجوده رومانی
حرکتی نمود یقیناً با ابالی در مسلک خود قوی
خواهد گردید. و کالت روتر معلوم نموده است که
بین وکلای رومانی و بلغار مجدداً گفتگو آغاز
و صورت مجلس بصوفیه خبر داده شده است

تاکنون موانع صلاحیه رفع نگردید. در ملاقات
نماینده روتر و شید پاشا رئیس هیئت صلاحیه عنانی
بقوت بیان نموده که عثمانیان مصمم گردیده اند که
برای وجه ادربانویل و جزایر بحر سفید را از
دست ندهند و متاسفانه اظهار داشت که چرا باید
تمام مراعات به یک طرف بشود اگر اطارات بالکان
مجوزات صلاحیه با ابالی را تا آخر این هفته منظور
نمایند وکلای صلاحیه عنانی به اسلامبول عودت
خواهند نمود و این امر را هم بقوت بیان کرد
که اگر مجدداً این مجلس منتقد گردد بنا بخواهنش
کسانی خواهد بود که بدون جهت این مجلس را
منصل خواسته اند

جلد الحین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

HABULMATIN OFFICE

4, MEDICAL COLLEGE STREET

CALCUTTA

کلیه امور اداره بامدیر

ل مؤید الاسلام است

هر دو شنبه طبع

سه شنبه توزیع میشود

بوم دوشنبه

۱۱ صفر ۱۳۳۱ هجری

مصادف با

۲۰ جنوری ۱۹۱۳ میلادی

و سلام حق اخذ ابوله بدون قبض ندارد و تا وقت
مشکل این را قبض مخصوص سال بیستم دست نباشد
نمونه شان بری شناخته میشود

ناده مقدس

(قیمت اشتراک)

سالانه — شش ماهه

هند و برمه

۱۲ روپیه — ۷ روپیه

ایران و افغانستان

۴۰ قران — ۲۰ قران

عمانی و مصر

۵ مجیدی — ۳ مجیدی

اروپا و چین

۰۳ فرانک — ۱۶ فرانک

سنه ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

(معروف اداره درج نمیشود)

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دوائی و فواید ملای بحث میشود

(مقالات عام المنفعه مفضل و در انتشارش اداره آزادست)

باجالی و امارات بالکان

ضدیت امارات بالکان در خصوص ادریانوپول و جزایر بحر سفید صلح را معطل گذارده و چون دو جماعت تلافی دول هم رقیب یکدیگرند، ولو در شورای سفرا اظهار اتحاد باهم بشود یک جماعت باعتمانی خواهد ساخت. و این امر سبب تواند گردید که عثماني هم زير بار تکالیف دول در خصوص صلح نرود و اگر رومانی چنانچه شهرت دارد از در سازش با عثمانی در آید نتیجه این خواهد شد که گشنگوی صلح بی از ماند. چه رومانی با عثماني هم معاهده دارد در انصورت ممکن است که عثماني دوباره جنگ را قیام گذارد، و اگر مجدداً جنگ شروع شود از قرار تلگرافات خصوصی و عمومی که که عثماني قوای خود را تکمیل نموده ممکن است که فنون بلغار را از دور ادریانوپول منتشر ساخته از آن بد صافی که میباشد خیلی بذات نباشد

امروزه صلح و جنگ بالکان قبضه و اختیار دو جماعت تلافی دول است مسلماً اگر آفات با عثماني و امارات بالکان اندک فشار وارد آرند نصفاه صلح تواند شد، و چنان بیان شد که دول با باجالی به نمایشات بحری فشار آورد و تکالیف امارات بالکان را منباب ادریانوپول خواهند قبولاید ولی قبل از آنیکه یادداشت دول در این خصوص به باجالی رسد دولت عثماني یاد داشتی بتوسط سفرای خود بدول پیش نموده بدو اظهار داشته که چرا باید دول بیطرف مصلح کایه بار تکالیف را

بیطرف حل نمایند. و از طرف دیگر با اشاره و کنایه ظاهر داشته است که اگر دول در قبولاندن شرایط بالکان با عثماني بحری هم بکنند تکالیفشان منطور و قبول عثمانيان خواهد آمد. این نکته بخوبی ثابت میدارد که یک از هیئت های دول سه گانه با عثماني ساخته و باطناً عثمانيان را قوی دل کرده است و آنچه از تلگرافات مستفاد میشود اتحاد تلافی آلمان - ایصالی - و آسیزیا ظاهر آنرا دوجه از عثمانيان طرف داری می نمایند و در خصوص تسلیم جزایر بحر سفید بدول بالکان مخالفت نموده ولی در ظاهر من باب تسلیم ادویا نویل بادول سائره شرکت کرده اند در خصوص جنگ آنچه معلوم میشود بلغار پیش از همه متوش است چه از طرفی رومانی حصه بزرگی از مملکت وی به اسم حق السکوت و بیطرفی طلب می نماید از طرف دیگر عثماني قوای خویش را در شتالجه نسبت به سابق زیاد نموده مشکل است اگر جنگ پیش آید بلغاریان بتوانند کاری از پیش ببرند بلکه مظنون است که عثماني علاوه بر شتالجه مقدر گردد به بیرون آوردن ادریانوپول از محاصره، مسئله که مانع از انجام صلح گردیده فقط تسلیم و عدم تسلیم ادریانوپول است عثماني از حقوق خویش بر جزیره کریت دست بردار گردیده امارات بالکان هم خواه مخواه دندان طمع از جزایر عمده بحر سفید می کنند فقط ادریانوپول است که ما به النزاع واقع گردیده بلغاریان می گویند که ما در محاصره ادریانوپول بجای هزار قربانی داده قیمت آنچه قربانیهای ما

تسلیم ادریانوپول است عثمانیان می سرایند که ادریانوپول با منتهای استقامت جلو خصم ایستاده ازین رو غیر منصفانه است که این ولایت را با آنها استقامت تسلیم دشمن نمایند، یکی ازدانایان می گوید که اگر بلغار ادریانوپول را ملحق به خاک خود سازد جاغالی مالی و جانی او را در این جنگ هیچ چیز بر نتواند نموده بلکه باید خساره بلغار را زیاد برنفع او گفت، چه نقشه سرحدی که عثمانیان پیش نموده اند نه تنها چندان محل اعتبار و اعتنا نیست و در مقابل آنچه باید از خاک مسلمه خود برومانی بدهد قدر و منزاتی ندارد بلکه اگر ادریانوپول بقضه عثمانیان باقی ماند در هر آن ترکان نخواهند می توانستند استیلا بر ملحقات جدیده بلغار حاصل نمایند این است که دول هم تسلیم نموده اند که ادریانوپول به بلغار باید تفویض شود، ادریانوپول علاوه بر اینکه بهترین مراکز جنگی بالکان می باشد عثمانیان در قرون عدیده ملیونها صرف تعمیر قلاع و سایر مهات جنگی او نموده حصین اسلامبولش قرار داده اند و نیز مقابله سلاطین عظیم الشان آل عثمان در آنجا و مساجد عالیه را دارا است و در حقیقت مرکز برای عثمانیان آسان تر است از اینکه قبور آباء و اجداد خودشانرا لنگه کوب سم ستوران خصم مشاهده نمایند، این است که عثمانیان هیچ گونه نمی توانند خودشانرا راضی کنند به تسلیم ادریانوپول

جنگ بالکان اگر چه بین عثمانی و امارات و نلفه است ولی اگر بدقت نگریم میدان آکابوی سیاه بون و جماعت سه گانه دول میباشد که می خواهند قوای خردشان را در ازدیاد نفوذ یک دیگر بر بالکان بسنجش آرند، با اینکه یقیناً سبب جنگ بالکان خیالات رئیس الوزراء استریا بوده که خواست شورایی سفرائیکه امروزه در لندنی منقذ شده قبل از جنگ در اسلامبول منقذ سازد و برخی اقدامات را در خصوص آینده بالکان از پیش به برد ولی امروزه که امارت بالکان تقدم جسته و ملت [اسلاو] که طبعاً تابع روس و دولت روسیه را سر پرست خود می شمارند قوی گردیده استریا را بدشست انداخته می خواهد بهر قسم ممکن گردد این قوت را که معنای

قوت روس است زایل سازد و استریا سرویوارا اگر نابود نتوانست کرد مضمحل و تحت نفوذ خویش آورد و همین نکته سبب گردیده بود که عملاً روس و استریا بیک دیگر اظهار خشونت مینمودند ولو اگر امروزه هم جنگ بالکان بین عثمانی و امارات صلح کراید بدون شبهه مناقشه روس و استریا بالا گرفته آتش رقابتشان را جز آب شمشیر مانیت فرو نتواند نشاید آنچه مستند میشود در این میدان هم اتحاد تازه آلمان و ایتالی و استریا غلبه این بر اتفاق مثلث نموده شکست سیاسی به آنها داده نفوذ و رسوخ خود را بر بالکان افزودند اگر بدقت در نقشه بالکی که باسم البانی آزاد می خواهند بشود دیده خواهد شد که اتحاد تازه یک دولت بزرگی را باسم آزادی البانی در این جنگ و بوده تحت نفوذ خویش آورده اند از مساهات اولیه بود رسوخ و نفوذ روس در کلیه بالکان عزیت بر تمام دول دارد و از چند سال باینطرف یعنی بعد الحاق هر سگ و پوسینه استریا باندازه در بالکان رسوخ حاصل نموده که اگر ویرا مانی پیش یابد ناسی سال دیگر مالک الرقاب کاپه بالکان خواهد گردید چه امارات البانی که بحسب نقشه جدید وسیع ترین املرت بالکان خواهد بود کاملاً تحت نفوذ استریا و ابواب ترقی برای آینده سرویه مطلقاً مسدود خواهد آمد و طبعاً سرویه رو باضمحللال نهاده یا بمال اغراض استریا خواهد گردید و از روی همان نقشه باب ترقی آینده بلغار هم مسدود خواهد آمد و پیش آمد کنونی ثابت نمود که خواه بخواه رومانی خویشتر را بسته به اتحاد تازه قرار داده و من بعد هم تحت سیاست آنان خواهد بود نتیجه این پیش آمد ها آن خواهد گردید که یک دفعه اقتدار روس از بالکان مرتفع خواهد آمد، مگر اینکه امروزه روس مقتدر گردد که بقوه شمشیر استریا را ازین نقشه و بزیرها مانع آید و این هم مشکل بنظرم آید، چه استریا پشت گرم به نماید آلمان و ایتالی است و روس را فقط مؤید ظاهری فرانسه است و پس که خودش از خطرات آینده خویش و نقشه و بزیرهای اتحاد مثلث هاره در تشویش است روس نمیتواند امید وار گردد که

دولت انگلیس بر سر بالکان در حایه وی با رقیب قوی پنجه خود آلمان از درختی و آویز در آید . مطلب همان است که سیاستیوت اروپا بالاتفاق می سرایند یعنی استحکام اتحاد تله بدرجات بیشتر است از اتفاق مثلث ، چه اتحاد مثلث در منافع خود شان کمتر منافضت در پیش دارند و اتفاق مثلث که عده اش روس و انگلیس اند چه در آسیا و چه در اروپا منافع شان بایک دیگر متضاد است . مثلاً منافع روس در بالکان و ایران علناً بر ضد منافع انگلستان میباشد بعید نیست که پس از انجام این جنگ و نتایجی که در صالح برای اتحاد تله و اتفاق مثلث حاصل آید اتفاق تله پیش از پیش سست شده از کار آید عکس آت اتحاد مثلث قوت گرفته بر اقدار خویش افزایش .

تاکنون آنچه ظاهر گردیده باراده غیر معلوم آلمان بیش از سایرین ابراز همدردی با عثمانی میباشد اگر چه عقیده ما آن است که ثابت گردد عثمانی آلمان خواهد بود . ولی امروزه بحاجت قلوب ترکان سعی میباشد .

اگر دقت شود با آنچه خسارات مالی و جانی که اطراف بالکان نموده نمی که برایشان متصور آمده خیلی قلیل است و بعید نیست که بهین مناسبت ابراز منافرتی عملاً قریب بین آنان بشود چیزیکه دال است بر منافرت آنان همانا تمایل آنهاست در اجرای جنگ ورته با آن جوابانی که وکلای صلحیه عثمانی داده اند گفتگوی صلح خاتمه پذیرفته و اگر آینه قوی از برای خود مسلم میدانستند همان قسمی که در آغاز جنگ اعتنا به ضمانت دول نکردند درین موقع هم نمیکردند ، بلکه اگر بدقت ملاحظه شود باطناً و ساطت دول را خود شان خواستار آمده اند و جوش درست دیده شود که در مقابل یونان برآ و بجزراً عثمانی کامیاب شده مظلون است که اگر در شتالچی و ادربا نویل هم جنگ پیش آید عثمانیان کامیاب کردند ، و در این موقع يك شکست دیگر بلغار در شتالچی و ادربا نویل نقشه جنگ را وازگون تواند نمود و اسرار عثمانیان هم برای اطمینانی است که حاصل نموده اند که اگر جنگ آغاز شود میدان را تواند برد افروا بیکه من باب ادربا نویل از چندی

باینطرف ووتر اشاعه داده که بواسطه قلت آذوقه تسلیم خواهد شد چندان مقرون بصواب ظاهر نمی گردد چه دو ماه متجاوز است که همه روزه تسلیم شدن ادربا نویل را میگویند و معلوم میگردد که این افواه را توکان برای معطل داشتن جنگ وامیدوار ساختن اطراف بالکان و ضمناً برای غفلت خصم و تهیه و مدارك خودشان بلند انداخته اند ، ورنه آن قسمیکه اشاعه یافته محصورین ادربا نویل در ضیق و خواه خواه تاکنون تسلیم شده بودند و استقامت ترکان هم برای عدم تسلیم ادربا نویل دال است بر اینکه قشون ساخلوی این شهر تا دیرباز می توانند استقامت نمایند . ورنه اگر میدانستند که ادربا نویل خواه خواه پس از چند روز تسلیم خواهد شد تا این درجه کار را به تعطیل نمیگذارند یا تسلیم میشدند یا فوراً شروع بجنگ میکردند بموجب تلگراف وقایع ننگار مخصوص ما تا چهل یوم دیگر قشون ساخلوی ادربا نویل را آذوقه موجود است .

برخی صلح را بحال عثمانی نافع میدانند ، و بعضی جنگ را ، ولی در صورتیکه بنا شود ترکان ادربا نویل را بدهند یقیناً جنگ برای آنها با صرفه تر خواهد شد ، فقط خوفی که دامن گیر میباشد همانا قوت عنصر اختلاف در خود ترکان است ، و بیشتر این خرابیها را از کابینه حاضره کامل پاشا تصور می میکنند و اگر عنصر جنگ جوان غلبه یافت و مجدداً جنگ آغاز شد خواه خواه کابینه کامل پاشا متصل خواهد گردید . و به عقیده جمعی اگر صلح هم بشود بقای کابینه کامل پاشا تا دیر باز ممکن نیست چه کامل پاشا را خودی و بیگانه انگشتر گردان انگلیس دانسته و همه روزه قوت و نفوذ آلمان و طرف داران وی در اسلامبول زیاد می شوند ، در این صورت بقای کامل پاشا بر مسند وزارت بسی دشوار بلکه محال معلوم می شود ، و الحقیق چند نوبت صدارت کامل پاشا جز ذلت و خرابی عثمانی چیز دیگر بار نیاورده ترکان کامل پاشا را ، سعدالدوله ایران می گویند فقط فرقیکه بین آنها می سرایند سعدالدوله را آله بیشرقت روس می بندارند ، و کامل پاشا را انگشتر گردان انگلیس .

مقتضیات زمان با آخر علاج ایران
 اگرچه اوضاع عالم هر روزی اقتضای دارد
 (هزار نقش برآورد زمانه و نه بود)
 (یکی جناح در آینه تصور ماست)
 سیاسی دان های قدیم را عقیده این بود که
 دولت روس یعنی مدعی بزرگ هندوستان از وقتی
 که باناپلیون توام نقشه قشون کشی هندوستان را کشیده
 و کامیاب نشده مانند سیل ذخار و و هندوستان آورده و
 با آرزوی تصرف این مملکت زر خیز ممالک عدیده را
 تصرف کرده مادام که با آرزوی خود نرسد باز نایستد
 دولت انگلیس نیز بجهت جلوگیری از خصم
 دیرینه و مدعی مملکت زر خیز هندوستان اول در
 ترکستان مامورین سیاسی خود را فرستاده امیر بخاری
 اول آنها را پذیرفته سپس از جهالت و زراعی
 جاهل در اغراض رانی سفیر انگلیس را محبوس
 و مقتول نموده دولت انگلیس مایوس و از پادشاه
 ایران مرحوم محمد شاه خواهش نمود که جنازه سفیر
 را از امیر بخارا طلب نماید پس از آن در افغانستان
 و ایران بنایم جلوگیری را گذارده بعد از
 انقلابات افغانستان و ملیون ها مخارج و صرف
 خزان هندوستان و قتل چندین هزار سردار و
 رعیت افغانستان بدست خود ملت جاهل و تصرف
 کابل و قندهار و تقویض بخود افغانها و انتزاع هرات
 بدون حق از ایران و کشته شدن جوانان انگلستان
 در خزای سردار ایوب خان و کشته شدن (کناری)
 مامور سیاسی انگلیس در کابل که اول فوج بجهت
 شکایت نوسیدن حقوق خود از امیر یعقوب خان
 بطرف خانه سفیر رفته باها تیر زدند بالاخره پس
 از قتل جمعی کثیر سنبر را کشته عاقبت مرحوم
 امیر عبدالرحمن بفتح مندی کابل نایل و معاهده دوستی
 با انگلیس نموده دولت افسان از آن روز
 تحت حمایت و دوست دولت انگلیس محسوب
 شده همه ساله یکصد و پنجاه هزار روپیه بجهت
 مخارج قشون و حفظ حدود هندوستان اخذ
 نموده سدی میان روس و هندوستان واقع
 شده اگرچه مملکت بی علم و بجهت نیست برابری
 با دولتهای متمدن صاحب و علم نماید - یا بتواند

دو سال در جنگ دائمی زیست نماید - بلز جای
 غنیمت است که همایون را اجازه نیست بکفتم
 در خاک آنها قدم گذارند و مثل ایرانیان بار
 عام داده حتی از مادات زنها و نوامیس آنها تحصیل
 معلومات نمایند

نوبت بایران رسید حریت خواهان
 و نوع خواهان انگلستان عقیده شان این بود
 که دولت انگلیس بواسطه پول و مامورین صاحب
 علم ایرانی را ترقی داده متوججا بیک ملیوت
 قشون جرار در شمال و جنوب برای ایران مهیا
 تا سدی سدید میان هندوستان و روس باشند
 مسلم است دولت ایران بواسطه این همراهی انگلیس
 و نجات فطری که همیشه سلاطین ایران در تاج بخشی
 بمغلوبین ابراز داده و صدمات و لعنات که همیشه
 در جنگ با روسیه و تصرف قفقاز و قشون کشیدن
 بر تبریز و سایر ضررها و خسارات و قتل نفوس
 و غیره که از روس نسبت بایران وقوع یافته دولت
 و ملت ایران هرگز خیال تصرف هندوستان و
 و عداوت بانگلیسان را نکرده بلکه ایرانیان دولت
 انگلیس را معلم خود و بزرگ منش تصور کرده
 ملت انگلیس را بحیب، متمدن، نوع خواه، دانسته بهمین
 عقیده مامور سیاسی فرانسه را جواب داده سنبر
 انگلیس را پذیرفته با آرزوی وعده های عرقوب
 انگلیس ساها انتظار کشیده لکن برخلاف حریت
 خواهان انگلستان فرقه مخالف آنها که به عقیده شان
 پیشرفت و ترقی ایران را بکنوع خطر بزرگ
 هندوستان تصور کرده، گفتند ایرانیان کراراً هندوستان
 تاخته دولت و ثروت برده عظمت و بزرگی ایرانی
 و سطوت و غلبه مغول در امالی هندوستان طبیعت
 نابویه شده همینکه ایرانی دارایی علم و عمل شد
 صاحب بکمیلان قشون جرار شد بواسطه استعداد
 طبیعی بزودی خزینه ایران معمور و ملت ایران
 صاحب دولت کشته فیلشان خواب هندوستان دیده
 مدعی بزرگ انگلیس خواهند شد، علاوه
 دولت روس در تمام شمال نفوذ دارد بجهت نیست
 ایران را مثل افغان دولت دوست قرار داد باید
 ایران را دولت پوشالی برای هندوستان قرار داده
 که هم قاصه میان روس و هند باشد و هم قوه

روس ها خوب میدانند قشون هندوستان قابل جنگ با روس نیست دولت ایران که سد سدید هندوستان بود برضای انگلستان زیر و زبر نموده معذوبی و ظن پرستان را قتل و تاراج کرده اند و قدرت و نفوذ خود را در شمال کامل نیافته متوجه با پول انگلیس و فرانسه و آلمان قوه دریائی خود را جناحه پیشهباد دومای روس شده باول درجه رسانیده راه آهن و قدرت خود را در شکم ایران رسانیده آنوقت نه (سرادوردگری) موجود است نه هوا خواهان آفت به يك پناه جزئی مشاهده خود را بهم زده جنوب ایران سهل است هندوستان را تصرف خواهد کرد و آن وقتی است که قیامت کبری و روز رستخیز انگلیس پیش آید -

لاکن هنوز بعضی هوا خواهان حریت خاب انگلیس را عقیده این است که چون حرکات وحشیانه روس نسبت بدین و دولت ایران بلکه قاطبه اسلام عموم ملت ایران سوای مبدوای نامسلان دنیا برست را از روس منظور ساخته انالی هندوستان را از انگلیس قدری امیدوار نموده که نسبت بمذهب آنها توهم وارد نیآورده تا هنوز این تارختر انگیز در قاطبه افراد مملکت ممکن است باز همان نقشه اول را پیروی کرده مجلس ملی ایران افتتاح و جدا استقلال ایران را خاسته باشند و ایرانیان را بحال خود گذارند که در اشاعه علم و عمل کوشیده خود را از این تکبت و ذلت نجات داده دولت ایران را سد سدید هندوستان کرده و الا این خیالات و تصورات اهالی انگلستان خواب و خیال و نقش بر آب است که امروز ایران دولت پرشالی باشد يك کرور ایلات جسور ایران را بچهل هزار قشون و افسر های سوبدی ممکن نیست منظم کرد امروز هر قدر بر تجارت روس در شمال افزوده بر تجارت انگلیس دو جنوب گاسته دولت ایران بر فرض ترقیات بی پایان تا صدسال دیگر نمیتواند خیال تعدی همسایگان نماید لکن ترقی ایران باعث ترقی تجارت همسایگان است مادام که همسایگان عمدا فاشاقتش ایران را ذلت نمیدادند هرگز اظهار دشمنی همسایگان نمیکردند این حرکات وحشیانه همسایگان نسبت با ایران و اطمینانهای

حرکت و خیالات تصرف هند را نتواند کرد متوجه دولت انگلیس سیستان، بلوچستان، فارس، و تصرف و نادر و خلیج و منتهای خلیج را قبضه ساحل فارس را دروازه هندوستان دانسته حق اولویت و حفاظت او را مالک شده جلوگیری از دشمن دیرینه خود و دولت دیرینه هندوستان که صد سال است عموم ملت روسیه بارزوی تصرف هندوستان بسر میبرند به نماید

عموم سیاسی دانه را عقیده این بود که در مرکز آسیا این دو حریف بزرگ تصادم نموده جنگ سخت شروع شده تمام اروپا را فرا گیرد لکن مقتضیات زمان بر خلاف تصورات دیپلوماهای اروپا وقوع یافته همان عقیده وزرای پارلمنت و کنسرها و اتورها اسباب این شد که دولت انگلیس بجزای بی حقوق و ظلم عظیمی که نسبت بدولت شش هزار ساله ایران را واداشته امروز بدست خود انگلیس (سرادوردگری) وزیر خارجه انگلستان مدعی صد ساله هندوستان را بوصول معشوق خود رسانیده بآنکه روس را بقرض و پول اعانت کرده که قوای دریائی خود را از نو ایجاد نموده در بحر هندوستان و خلیج فارس همه جا مدعی بزرگ انگلیس باشد همان روزی که سرادوردگری و هوا خواهان او بوزارت خارجه منتخب شدند گویا بعد بزرگ دولت روس بود این مطلب را خود انگلیسها بهتر میدانند که این مساعدات دول فریب بکدیگر است دولت روس که با ژاپون معامله کرده آیا معامله دوستی دو دولت که هر کدام نیم کرور از یکدیگر کشته و قوای بخواه ساله روس را زیر و زبر نموده از روی حقیقت است؟ و باید ژاپون من بعد آورده بخوابد؟ و در خیال از دیاد قوه بری و بحری خود نباشد؟ خیر دولین هزار درجه زیاده از ماضی مستقبل را مراعات کرده آیا دولت شمال جنگ سوا ستیله را فراموش کرده که انگلیس دول بجزا که راه محرک آمده بکنند بنیاد دولت روسیه و تقسیم ممالک روسیه الآن رجال روسیه این وقایع را یادآوری می نمایند -

(سیدی بروز کاران سهری نشسته بر دل)

(پیرون نمی توان کرد الا بروز کاران)